

## پیشگویی‌های عهدینی نبوت پیامبر در میان زیدیان ایران\*

زاینه اشمیتکه

ترجمه: محمد کاظم رحمتی

**چکیده:** پیشگویی‌های عهدینی از آمدن پیامبر اسلام به ندرت در نگاشته‌های کلامی مؤلفان معتزلی مورد استناد قرار گرفته است و کسانی نیز که به این گونه شواهد استناد کرده‌اند، این گونه مطالب را در بهترین حالت، امری ثانوی می‌دانسته‌اند. زیدیان معتزلی تردید کمتری به نسبت به سنیان معاصر خود در به کار گیری مطالب عهدینی داشته‌اند. این امر شاید ناشی از تأثیر امام قاسم بن ابراهیم رسی (متوفی ۸۶۰/۲۴۶) باشد که آشنایی فراوانی با عقاید کلامی مسیحیت و عهدین داشته است و در تألیفات خود به کرات از آنها نقل قول کرده است. در میان زیدیان ایران، متون عهدینی که مبتنی بر پیشگویی نبوت پیامبر اسلام بوده توسط امام مؤید بالله (متوفی ۱۰۲۰/۴۱۱) و پس از او امام الموفق بالله (متوفی پس از ۱۰۲۹/۴۲۰) و احمد بن محمد سمان (حیات اوایل قرن پنجم / یازدهم میلادی) مورد استناد قرار گرفته است. تحلیل این متنها دلالت دارد که سه مؤلف مطالب خود را از سنت منبع یا منابعی / ترجمه‌ای پیشین یا همانند با منبع

---

\* انتشار مقاله حاضر، در چهارچوب طرح شورای اروپایی تحقیق اف پی هفت با عنوان «بازیابی عقلانیت کلامی در جهان اسلام سده های میانه» است (Rediscovering Theological Rationalism in the Medieval World of Islam). فرصت را مغتنم شمرده از کامیلا آدانگ (Camilla Adang)، حسن انصاری، عمر حمدان و اوا ماریا تسایس (Eva-Maria Zeis) برای تذکراتشان بر پیش نویس اولیه نوشتار حاضر تشکر نمایم. [این مقاله ترجمه‌ای است از:

Sabine Schmidtke, "Biblical Predictions of the Prophet Muhammad among the Zaydīs of Iran," *Arabica* 59 (2012), pp. 218-266. [مترجم]

مورد استفاده علی بن ربیع طبری (متوفی ۸۶۵/۲۵۱) و کتاب *الدین و الدولة* و ابن قتیبه (متوفی ۸۸۹/۲۷۶) / *اعلام النبوة* اخذ کرده‌اند.

**کلید واژه‌ها:** پیشگویی‌های عهدینی نبوت پیامبر؛ زیدیه؛ المؤید بالله (متوفی ۱۰۲۰/۴۱۱)، الموفق بالله (متوفی پس از ۱۰۲۹/۴۲۹)؛ ابوالعباس احمد بن محمد السمان؛ علی بن ربن الطبری؛ ابن قتیبه؛ *اعلام النبوة*؛ کتاب *الدین و الدولة*.

## I

پیشگویی‌های عهدینی از آمدن پیامبر اسلام به ندرت در تألیفات نویسندگان کلامی مورد استناد قرار گرفته و کسانی نیز که به این مطالب استناد کرده‌اند، آنها را در بهترین حالت، امری ثانوی دانسته‌اند.<sup>۱</sup> زیدیان معتزلی تردید کمتری به نسبت معاصران سنی خود در استناد و بهره‌گیری از مطالب عهدینی داشته‌اند. شاید این امر ناشی از نفوذ امام قاسم بن ابراهیم رسی (حدود ۱۶۹ - ۲۴۶ / حدود ۷۸۵ - ۸۶۰) باشد که آشنایی گسترده‌ای با عقاید کلامی مسیحیت و عهدین داشته و به کرات از آنها در تألیفاتش بهره برده و مطالبی را نقل کرده است.<sup>۲</sup> در میان زیدیان ایران، متون عهدینی دال بر پیشگویی آمدن پیامبر توسط امام المؤید بالله (متوفی ۱۰۲۰/۴۱۱) و از اصحاب او، امام بعدی الموفق بالله (متوفی پس از ۱۰۲۹/۴۲۰) و معاصرشان ابوالعباس احمد بن محمد سمان مورد استناد قرار گرفته است.

## II

ابوالحسین احمد بن حسین بن هارون بن حسین هارونی بطحانی (المؤید بالله،

---

۱. از میان اندک معتزلیانی که به مطالب عهدینی استناد کرده‌اند، ابوالحسین بصری (متوفی ۱۰۴۵/۴۳۶) است که او نقل قولهای مفصل عهدینی در کتاب *غرر الادلة* آورده که وی آنها را از کتاب *الدین و الدولة* ابن ربن طبری (متوفی حدود ۸۶۵/۲۵۱) نقل کرده است. بنگرید به:

Camilla Adang, "A rare case of biblical 'testimonies' to the Prophet Muḥammad in Mu'tazilī literature: Quotations from Ibn Rabban al-Ṭabarī's *Kitāb al-dīn wa-l-dawla* in Abu l-Ḥusayn al-Baṣṭī's *Ghurar al-adilla*, as preserved in a work by al-Ḥimmaṣī l-Rāzī", *A Common Rationality: Mu'tazilism in Islam and Judaism*, ed. Camilla Adang, Sabine Schmidtke and David Sklare, Wurzburg, Ergon, 2007, p. 297-330.

2. Cf. Wilferd Madelung, "Al-Qāsim ibn Ibrāhīm and Christian Theology", *Aram*, 3 (1991), p. 35-44; *id.*, "Al-Qāsim ibn Ibrāhīm", *Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History. Volume 1 (600-900)*, ed. David Thomas and Barbara Roggema, Leiden, Brill, 2009, p. 540-3.

متولد آمل طبرستان در ۹۴۴/۳۳۳، متوفی لنگا ۱۰۲۰/۴۱۱<sup>۱</sup> که در سال ۹۹۰/۳۸۰ ادعای امامت نمود و در نواحی شرقی گیلان قیام کرد و ظاهراً عقاید مکتب بغداد معتزله و فقه قاسمی را در بغداد و نزد دائیش ابوالعباس براهیم بن حسن حسنی (متوفی پس از ۹۶۱/۳۵۰-۹۶۲) خوانده است<sup>۲</sup>، همچنین کلام معتزلی بصری را نزد ابوعبدالله بصری (متوفی ۹۷۷/۳۶۷) خوانده است. بعدها او به حلقه درس رهبر بهشمیان، قاضی القضاة عبدالجبار همدانی (متوفی ۱۰۲۵/۴۱۵) درآمد که از ۹۷۷/۳۶۷ به بعد در ری اقامت داشته است.<sup>۳</sup> در ری، المؤید به حلقه وزیر بویه صاحب بن عباد (متوفی ۹۹۵/۳۸۵) نیز پیوست.

از میان تألیفات مختلف او (خاصه در حوزه فقه)<sup>۴</sup> المؤید کتاب اثبات النبوات النبوی

۱. درباره امام المؤید بالله بنگرید به: حسن انصاری، «الإمام المؤید بالله الهارونی: فتاوی و أجوبة مسائل و استفتاءات و جهت إليه فی الرد علی الباطنیة و غیرها من المسائل»، المسار، ۳/۱۱ (۲۰۱۰)، ص ۵۷ - ۷۲؛ Wilferd Madelung, *Der Imam al-Qāsim b. Ibrāhīm und die Glaubenslehre der Zaiditen*, Berlin, de Gruyter, 1965, p. 177ff. and *passim*.

مهمترین منبع برای شرح حال او، کتاب سیره اش است که امام المرشد بالله یحیی بن حسین بن اسماعیل جرجانی شجری (۴۱۲ - ۴۷۹ یا ۱۰۲۱/۴۹۹ - ۷/۱۰۸۶ یا ۶/۱۱۰۵) نوشته است که دو بار تاکنون منتشر شده است (۱) تحقیق صالح عبدالله قربان، صنعاء، مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیة، ۲۰۰۳/۱۴۲۴؛ (۲) تحقیق محمد کاظم رحمتی، در میراث بهارستان (مجموعه سیزده رساله) (تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۰۰۹/۱۳۸۸)، ص ۳۰۵ - ۳۸۸.

۲. حسنی عمده شهرتش به واسطه کتاب المصابیح، اثری در شرح حال ائمه و امامان نخستین زیدی است. بنگرید به: احمد الحسینی، مؤلفات الزیدیة، سه جلد (قم، مطبعه اسماعیلیان، ۱۹۹۲/۱۴۱۳-۱۹۹۳)، ج ۱، ص ۲۴۶، شماره ۶۷۵؛ ج ۳، ص ۲۲، شماره ۲۸۹۹؛ ایمن فؤاد سید، مصادر تاریخ الیمن (قاهره: المعهد الفرنسي للأثار الشرقیة بالقاهرة، ۱۹۷۴)، ص ۸۴، شماره ۴؛

*GALS*, vol. 1, p. 556, # 1a.

بخشی از کتاب المصابیح و بخشی از تنمۀ المصابیح نوشته شاگرد احمد حسنی، یعنی ابوالحسن علی بن بلال آملی در ضمن کتاب اخبار ائمة الزیدیة فی طبرستان و دیلمان و جیلان (بیروت: المعهد الالماني للابحاث الشرقیة، ۱۹۸۷)، ص ۵۳-۷۵ آمده است. هر دو متن با عنوان ابوالعباس احمد بن ابراهیم الحسینی، المصابیح فی السیره و التاريخ، تحقیق عبدالله بن عبدالله بن احمد الحوثی (عمان، مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیة، ۲۰۰۲) منتشر شده است. درباره مؤلف کتاب المصابیح همچنین بنگرید به:

Wilferd Madelung, "Ḥasanī, Abu 'l-'Abbās Aḥmad b. Ebrāhīm", *Elr*, vol. 12, p. 41.

۳. برای گزارش شرح احوال قاضی عبدالجبار بنگرید به:

Gabriel Said Reynolds, "The Rise and Fall of Qāḍī 'Abd al-Jabbār", *International Journal of Middle East Studies*, 37 (2005), p. 3-18; *id.*, *A Muslim Theologian in the Sectarian Milieu: Abd al-Jabbār and the Critique of Christian Origins*, Leiden, Brill, 2004, p. 44ff. See also Hassan Ansari and Sabine Schmidtke, "New Sources on the Life and Work of 'Abd al-Jabbār al-Hamadhānī" [forthcoming].

۴. برای فهرستی از آثار کلامیش بنگرید به:

را تألیف کرده که به گونه ادبی دلائل النبوة نگاری تعلق دارد.<sup>۱</sup> متن اخیر در پنج نسخه خطی باقی است (بنگرید به ادامه بخش سوم) و شرحی بر مقدمه آن و فصل نخست کتاب توسط عباس بن علی بن ابی عمرو صنعانی نوشته شده است.<sup>۲</sup> المؤید در مقدمه کتاب خود به باطنیان حمله کرده و آنها را به عنوان خطرناک‌ترین منتقدان معجزات نبوی یاد کرده و بیان کرده که او در جایی دیگر به تفصیل از محتوی کتاب آنها *البلاغ السبع* یا *البلاغ الاکبر و الناموس الاعظم*، ظاهراً اثری اسماعیلی که مخالفان آنها به عنوان اثری مرجع در بیان عقاید پنهانی و باطنی آنها از آن بهره می‌برده‌اند، بحث کرده است.<sup>۳</sup> هیچ کدام از کتاب یا کتابهای المؤید که او در آنها به نقد باطنیان پرداخته، باقی نمانده است. ردیه‌ای اسماعیلی بر انتقادات اسماعیله که توسط حمید الدین کرمانی (متوفی حدود ۱۰۲۰/۴۱۱) تألیف شده است.<sup>۴</sup> پس از مقدمه‌ای، کتاب المؤید مشتمل بر چهار فصل است؛ فصل اول به بیان معجزه غیر قابل تقلید قرآن (باب *البيان عن اعجاز القرآن*)؛<sup>۵</sup> فصل دوم فهرستی از معجزات نبوی (باب *فی ذکر جمل من المعجزات التی*

---

Gregor Schwarb, *Handbook of Muṭazilite Authors and Works* Leiden, Brill [forthcoming], # 313.

۱. درباره این گونه ادبی بنگرید به بررسی زیر:

David Thomas, "Muslim regard to Christians and Christianity, 900-1200", *Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History. Volume 2 (900-1050)*, ed. David Thomas and Alex Mallett et al., Leiden, Brill, 2010, p. 22ff.

۲. عباس بن علی بن ابی عمرو صنعانی، *الرساله العسجدیه فی المعانی المؤیدیه*، تحقیق عبدالمجید الشرفی (لیبیا / تونس (کذا) بی جا، ۱۳۹۶/۱۹۷۶). درباره این کتاب بنگرید به:

Josef van Ess, "Some fragments of the *muṭāraḍat al-Qurʿān* attributed to Ibn al-Muqaffa", *Studia Arabica & Islamica: Festschrift for Iḥsān ʿAbbās*, ed. Wadād al-Qāḍī, Beirut, American University of Beirut, 1981, p. 151-63.

۳. تحقیق عبدالکریم احمد جدبان، ص ۵۲ به بعد؛ تحقیق خلیل احمد ابراهیم الحاج، ص ۱۱ به بعد. درباره این رساله بنگرید به:

Wilferd Madelung, "The Fatimids and the Qarmatīs of Baḥrayn", *Mediaeval Islamic History and Thought*, ed. Farhad Daftary, Cambridge, Cambridge University Press, 1996, p. 43ff.

4. Cf. Madelung, "The Fatimids and the Qarmatīs", p. 67f., n. 230; Paul Walker, *Ḥamīd al-Dīn al-Kirmānī: Ismaili thought in the Age of al-Hakim*, London, I.B. Tauris, 1999, p. 38; cf. also Josef van Ess, "Bibliographische Notizen zur islamischen Theologie. I. Zur Chronologie der Werke des Hamīdaddin al-Kirmani", *Die Welt des Orients*, 9 (1978), p. 255-61.

همچنین بنگرید به: انصاری، «المؤید بالله»، ص ۶۳ به بعد؛ برای بازسازی از ردیه‌ای ضد اسماعیلی المؤید بر اساس ردیه ای از کرمانی بر آن.

۵. این فصل، که در مقایسه با سه فصل دیگر، مفصل تر است، مشتمل بر این بخشها می‌باشد: *الکلام علی (فی)*

وردت بها الآثار المشهورة الظاهرة؛ فصل سوم فهرستی از پیش‌گویی‌های عهدینی دال بر نبوت پیامبر (باب ذکر ما وجد فی الكتب المتقدمة من البشارة بالنبی صلعم) و فصل چهارم که از مطالب بیشتری درباره شرح حال پیامبر سخن گفته است (باب ذکر ما قیل فی امره صلعم و علی آله علی سبیل التأكيد).<sup>۱</sup>

در ضمن مطالب آمده در فصل سوم، که تصحیحی از آن در ادامه آمده است (بنگرید به بخش سوم) مؤلف هفده عبارت عهدینی را از عهد عتیق و اناجیل نقل کرده است. مقایسه میان این نقل قولها و مجموعه‌های عهدینی کهتر نقل شده که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، نشان می‌دهد که المؤید مطالب خود را از دو و احتمالاً سه سنت ترجمه‌ای متفاوت گردآوری کرده است. منابع اصلی برای بازسازی سنت ترجمه‌های مختلفی که وجود داشته، دو متن باقی مانده کهن است که فهرست تفصیلی از پیش‌گویی‌های عهدینی از آمدن پیامبر را به نقل از عهد عتیق و عهد جدید نقل کرده‌اند یعنی کتاب الدین و الدولة نوشته نسطوری مسلمان شده علی بن ربن طبری (حدود ۱۹۴-۲۵۱ / حدود ۸۱۰-۸۶۵)<sup>۲</sup> و اعلام (یا دلائل) النبوة (یا النبی یا رسول الله) نوشته عبدالله بن مسلم بن قتیبه (۲۱۳ - ۲۷۶ / ۸۲۸ - ۸۸۹).<sup>۳</sup> بیشتر مطالب عهدینی که در

→ أن التحدی قد وقع؛ الكلام فی أن معارضة القرآن لم تقع؛ الكلام فی بیان أن الإعراض عن المعارضة إنما كان للتعذر؛ الكلام فی بیان أن القرآن يجب أن يكون معجزاً إذا تعذرت معارضته؛ الكلام فی بیان ما له كان معجزاً؛ الكلام فی بیان أن القرآن فی أعلى طبقات الفصاحة؛ الكلام فی ذکر ما فی القرآن من الإخبار عن الغیوب.  
۱. تصحیح انتقادی جدیدی از متن به عنوان رساله دکتری اوا ماریا تسایس (Eva-Maria Zeis) در دانشگاه آزاد برلین در دست انجام است.

2. *The book of religion and empire. A semi-official defence and exposition of Islam written by order at the court and with the assistance of the Caliph Mutawakkil (A.D. 847- 861) by □Alī Ṭabarī.* Translated with a critical apparatus from an apparently unique MS in the John Rylands Library by A. Mingana, Manchester, Manchester University Press/Longmans, Green, 1922; *The book of religion and empire, a semi-official defence and exposition of Islam, written by order at the court and with the assistance of the Caliph Mutawakkil (A.D. 847- 861) by □Alī Ṭabarī.* Arabic text edited from an apparently unique MS in the John Rylands Library, Manchester by A. Mingana, Manchester, Manchester University Press/Longmans, Green, 1923. On the text, see also my "Abū al-Ḥ usayn al-Basī ī and his transmission of biblical materials from *Kitāb al-dīn wa-al-dawla* by Ibn Rabban al-Ṭabarī: The evidence from Fakhr al-Dīn al-Rāzī's *Mafātīḥ al-ghayb*", *Islam and Christian-Muslim Relations*, 20/2 (2009), p. 105-18 (with further references).

3. See my "The Muslim reception of biblical materials: Ibn Qutayba and his *A□lām al-nubuwwa*", *Islam and Christian-Muslim Relations*, 22/3 (2011), p. 249-74.

کتاب/ابن قتیبه آمده همچنین در کتاب ابن ربن که تفصیل بیشتری از این حیث دارد، نیز آمده است، جز آنکه علیرغم شباهت‌های که گاه با یکدیگر دارند، در بیشتر عبارات‌های عهدینی ترجمه شده، تفاوت‌های بارزی دارند که دلالت دارد دو مؤلف هر کدام بر سنت‌های ترجمه‌ای متفاوتی از کتاب مقدس و منابع تکیه داشته‌اند که هنوز نیازمند بررسی و معرفی بیشتر از حیث جزئیات‌اند.<sup>۱</sup>

در اکثر موارد، ترجمه‌های ارایه شده توسط المؤید کلمه به کلمه با ترجمه‌هایی که ابن قتیبه در اعلام آورده، تطابق دارد، برخلاف ترجمه‌هایی که ابن ربن آورده است. این مطلبی است که در بخش اول و دوم که مشتمل بر ترجمه‌های از سفر تثیبه، باب ۳۳، آیه ۲ و سفر پیدایش باب ۲۱، آیه ۲۱ است، صادق است. توالی این عبارات‌های عهدینی با ترتیبی که ابن قتیبه آورده، یکسان است. هر چند ترجمه المؤید از عبارت سفر تثیبه،

---

پیش از ابن ربن و ابن قتیبه، رساله نوشته شده توسط ابوریع محمد بن ابی لیث به قسطنطین ششم (حکومت ۷۸۰-۷۹۷) امپراتور رو به نیابت از سوی هارون الرشید (حکومت ۱۷۰ - ۷۸۶/۱۹۳ - ۸۰۹) که امپراتور را دعوت به پذیرش اسلام کرده، مشتمل بر نقل قولهای عهدینی فراوانی است که دال بر پیشگویی نبوت پیامبر است. متن رساله ابوریع به واسطه نقل آن در کتاب *المشور و المنظوم* ابن ابی طاهر طیفور (متوفی ۸۹۳/۲۸۰) به دست ما رسیده و چندین بار منتشر شده است. من از چاپ «رساله ابی ریع محمد بن لیث التي كتبها للرشيد الى قسطنطين ملك الروم»، *جمهرة رسائل العرب*، تحقیق احمد زکی صفوت، جلد سوم (العصر العباسی الاول)؛ بیروت بی تا (بی جا)، ص ۲۱۷ - ۲۷۴، شماره ۱۶۷ استفاده کرده‌ام. درباره این رساله بنگرید به:

M. Dunlop, "A Letter of Harūn ar-Rashīd to the Emperor Constantine VI", *In Memoriam Paul Kable*, ed. Matthew Black and Georg Fohrer, Berlin, A. Topelmann, 1968, p. 106-15; Josef van Ess, *Theologie und Gesellschaft im 2. und 3. Jahrhundert Hidschra. Eine Geschichte des religiösen Denkens im frühen Islam*. 1-6, Berlin, de Gruyter, 1991-7, vol. 3, p. 24ff.; Camilla Adang, *Muslim writers on Judaism and the Hebrew Bible: From Ibn Rabban to Ibn Hāzīm*, Leiden, Brill, 1996, *passim*; Barbara Roggema, "Ibn al-Layth", *Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History. Volume 1 (600-900)*, ed. D. Thomas and B. Roggema, Leiden, Brill, 2009, p. 347-53.

۱. رونی ولاندت (Ronny Vollandt) به نحوی مستدل اثبات نموده که ترجمه‌ای که از اسفار خمسه در دست ابن ربن بوده، بر مبنای ترجمه سریانی شرقی بوده است و نشان داده که نقل قول‌های عهدینی ابن ربن اکثراً با زبان عربی سریانی قرن دوم تطابق دارد که بعدها یکی از متداولترین ترجمه‌های اسفار خمسه بوده است. See his *Christian-Arabic translations of the Pentateuch from the 9th to the 13th centuries: A comparative study of manuscripts and translation techniques*, PhD dissertation, Cambridge UK, 2011, p. 63ff., 205ff.

او همچنین استدلال کرده که ابن قتیبه تا حدی در نقل مطالب عهدینیش بر ابن ربن متکی بوده است. بنگرید به: *ibid.*, درباره ارتباط میان دو متن بنگرید به: Adang, *Muslim Writers*, p. 148-50.

باب ۳۳، آیه دوم در کل به تمامی با ترجمه ابن قتیبه تطابق دارد بر خلاف ترجمه متفاوت آیه که ابن ربن آورده است<sup>۱</sup> و این مطلب درباره ترجمه آیه ۲۱، باب ۲۱ سفر پیدایش نیز صادق است که ترجمه عبارت اخیر در کتاب *الدین و الدوله* ابن ربن نیامده است.<sup>۲</sup> تنها تفاوت میان المؤید و ابن قتیبه در این است که المؤید محل آیه را سفر تثنیه، باب ۳۳، آیه ۲ (فی السفر الثاني من الفصل العشرين) معرفی کرده که در *اعلام النبوة* چنین مطلبی نیامده است. بحث المؤید از دو آیه آیه همانند بحث ابن قتیبه است هر چند از حیث بیان کاملاً مستقل است.<sup>۳</sup>

هر بخش از ترجمه بخشی از آیات ۸ - ۱۲، باب ۱۶ سفر پیدایش (بخش سوم) از ترجمه ای که المؤید آورده، بدیلی دقیق و برابر در ترجمه ابن قتیبه دارد.<sup>۴</sup> همان عبارت عهدینی در کتاب *الدین و الدوله* ابن ربن جز با تفاوت اندکی از ترجمه ابن قتیبه آمده است.<sup>۵</sup> با این حال آخرین عبارت در ترجمه المؤید بالخضوع در ترجمه ابن قتیبه نیست همین گونه در برگردان ابن ربن که ترجمه تفصیلی تری از آیه نیز هست، نیامده است.

1. See Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 3:

و من أعلامه في التوراة، قال: «جاء الله من سيناء وأشرق من ساعير واستعلن من جبال فاران». برای ترجمه ای متفاوت بنگرید به: *الدین و الدوله*، تحقیق مینگانا، ص ۷۴، بند اول، سطور ۱۶ - ۱۹: و قال موسى في هذا السفر في الفصل العشرين: «إن الرب جاء من طور سينين وطلع من ساعير وظهر من جبل فاران ومعه عن يمينه ربوات القديسين فمَنحهم العز وحببهم إلى الشعوب بجميع قديسيه بالبركة». ترجمه ابن قتیبه تا حد زیادی با ترجمه ابن الیث تطابق دارد. بنگرید به: «رسالة ابي ربيع محمد بن الیث»، ص ۲۶۵: و من ذلك في آخر التوراة: «جاء الله تبارك وتعالى من سيناء وأشرق من ساعير واستعلن من جبال فاران وجاء عن يمينه ربوات القديسين».

2. See Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 4:

«إن إبراهيم أسكن هاجر وإسماعيل فاران».

3. See Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 3-4.

4. See Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 2.

(شبهات‌ها با ترجمه المؤید با خطی در زیر عبارت‌ها مشخص شده است): «ثم أخبر موسى بمثل ذلك في هذا السفر و زاد شيئاً، قال: «لما هربت هاجر من سارة تراءى لها ملك الله وقال: يا هاجر، أمه سارة، ارجعي إلى سيدتك فاخضعي لها فأبى ساكتر ذريتك وزرعك حتى لا يحصوا كثرة، وها أنت تحبلين وتلدین ابناً وتسمينه إسماعيل، لأن الله قد سمع خشوعك، وتكون يده فوق الجميع، ويد الجميع مبسوطة إليه بالخضوع»<sup>۵</sup>. بنگرید به: *الدین و الدوله*، تحقیق مینگانا، ص ۶۷، بند اول، سطور ۹-۱۲ (شبهات‌ها با ترجمه ابن قتیبه، با خطی که زیر عبارت‌ها کشیده شده، نشان داده شده است): وقال أنه لما هربت هاجر من سارة تراءى لها ملك الله وقال: يا هاجر أمه سارة من أين أقبلت وأين تريدین؟ قالت هاجر مجيبة له: أهرب من سيدتي سارة. قال لها ملك الرب: ارجعي إلى سيدتك واخضعي لها فأبى ساكتر ذريتك وزرعك حتى لا يحصون كثرة. وها أنت تحبلين وتلدین ابناً وتسميه إسماعيل، لأن الله قد سمع تبلك وخشوعك وهو يكون غير الناس وتكون يده فوق الجميع ويد الجميع مبسوطة إليه ويكون مسكنه على تخوم جميع إخوته.

استدلال المؤید پس از عبارت عهدینی دقیقا همانند استدلال ابن قتیبه است،<sup>۱</sup> در حالی که شباهتی با بحث و استدلال یکسره متفاوت ارایه شده توسط ابن ربن در خصوص این عبارات نیست.<sup>۲</sup>

ترجمه المؤید از حقوق، باب ۳، آیات ۳-۴ (بخش پنجم) در کل با ترجمه ابن قتیبه تطابق دارد در حالی که با ترجمه ابن ربن تفاوت دارد،<sup>۳</sup> در حالی که توضیح مختصر درباره عبارت عهدینی بدیلی در اعلام ابن قتیبه یا کتاب الدین و الدولة ابن ربن ندارد.

ترجمه المؤید از آیات ۳-۵، باب ۴۵ مزامیر داود (بخش هفتم) تا حدی ترجمه‌ای تلخیص شده از ترجمه‌ای است که ابن قتیبه آورده است.<sup>۴</sup> هر دو ترجمه‌ها تقریبا کلمه به کلمه با بخش‌های آمده در ترجمه ابن ربن از دو آیات تطابق دارد جز آنکه ترجمه ابن ربن تفصیلی‌تر است.<sup>۵</sup> توضیحات المؤید درباره عبارت تا حد زیادی همانند بحث ابن قتیبه است<sup>۶</sup> در حالی که بحث‌های مذکور با آنچه که ابن ربن آورده، تفاوت دارد.<sup>۷</sup>

ترجمه المؤید از آیه‌های ۴-۸، باب ۱۴۹، مزامیر داود (بخش هشتم) کلمه به کلمه همانند ترجمه ابن قتیبه است جز آنکه ابن قتیبه ترجمه سه آیه اول را نیز آورده که

1. Cf. Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 2.

۲. بنگرید به: الدین و الدولة، تحقیق مینگانا، ص ۶۷، بند اول، سطور ۱۹، ص ۶۸، بند اول، سطر ۴.

3. Cf. Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 6:

قال حقوق: «جاء الله من التيمن والقديس من جبال فاران، وامتألت الأرض من تحميد أحمد وتقديسه، وملك الأرض بيمينه ورقاب الأمم». ترجمه تقریبا نزدیکی با این برگردان در رساله ابن لیث، ص ۲۶۳ آمده است: و من ذلك قول حقوق المتنبی فی زمان دانیال: «جاء الله من السماء والقديس من جبال فاران، وامتألت السماء من تحميد أحمد وتقديسه، ومسح الأرض بيمينه وملك رقاب الأمم». اما برای ترجمه ای دیگر بنگرید به: الدین و الدولة، تحقیق مینگانا، ص ۱۰۳، بند اول، سطور ۵-۱۰: قال حقوق النبي عليه السلام: «إن الله جاء من التيمن والقدوس من جبل فاران. لقد انكسفت السماء من بهاء محمد وامتألت الأرض من حمده. يكون شعاع منظره مثل النور ويحوط بلده بعزه. تسير المنايا أمامه وتصحب سباع الطير أجناده. قام فمسح الأرض ثم تأمل الأمم وبحث عنها. فتضعضت الجبال القديمة واتضعت الروابي الدهرية».

4. Cf. Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 13

شباهت‌ها با ترجمه مؤید با خطی در زیر عبارت‌ها مشخص شده است: و فی مزمور آخر: تقلد أیها الجبار بالسيف فإن ناموسك و شرائعك مقرونه بهيبه يمينك و سهامك مسنونه و الأمم يخرون تحتك».

۵. بنگرید به: الدین و الدولة، تحقیق مینگانا، ص ۷۵، بند اول، سطور ۱-۴ (شباهت‌ها با ترجمه ابن قتیبه، با خطی در زیر عبارت‌ها مشخص شده است): وقال داوود النبي عليه السلم في المزمور الخامس والأربعين: من أجل هذا بارك الله عليك إلى الأبد فتقلد السيف أیها الجبار لأن بهاءك وحمدك البهاء والحمد الغالب. اركب كلمة الحق وسمت التأله فإن ناموسك و شرائعك مقرونه بهيبه يمينك و سهامك مسنونه و الأمم يخرون تحتك. ترجمه ابن لیث از این آیات (ص ۲۶۵) از ترجمه های ابن ربن و ابن قتیبه تفاوت دارد.

6. Cf. Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 13.

۷. بنگرید به: الدین و الدولة، تحقیق مینگانا، ص ۷۵، بند اول، سطر ۷-۱۴.



المؤید آنها را نیاورده است.<sup>۱</sup> بر عکس ابن ربین ترجمه ای کاملاً متفاوت از این عبارت در کتاب *الدين والدولة* خود آورده است.<sup>۲</sup> توضیحات المؤید درباره این آیات از حیث محتوا با مطالب ابن قتیبه<sup>۳</sup> و ابن ربین<sup>۴</sup> تطابق دارد، هر چند از حیث لفظی نزدیکی بیشتری با عبارات ابن قتیبه دارد.

ترجمه المؤید از آیه ۱۸، باب ۱۸ سفر تثنیه (بخش ۱۰) بار دیگر به نحو کاملی با ترجمه ابن قتیبه تطابق دارد و با ترجمه ابن ربین به نحو کاملی تفاوت دارد.<sup>۵</sup> نکات اصلی توضیحات المؤید که در ادامه آمده با خط سیر استدلال‌ات و استنادات ابن قتیبه و ابن ربین در اینکه پیشگویی آمده جز بر پیامبر اسلام تطبیق ندارد، هم‌نوازی دارد. با این حال المؤید از بکر و تغلب به عنوان فرزندان وائل سخن نگفته و حتی آیه ۱۰، باب ۳۴ سفر تثنیه را در این خصوص نقل بر خلاف آنچه ابن قتیبه آورده،<sup>۶</sup> نکرده است و الفاظ او نیز شباهتی با عبارات ابن ربین ندارد.<sup>۷</sup>

1. Cf. Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 12.

(شباهت‌ها با عبارت مؤید به خطی در زیر عبارت‌ها مشخص شده است): و فی الزبور: «سبحوا الرب تسبیحاً حدیثاً، سبحوا الذی هیكله الصالحون لیفرح إسرائيل بخالقه و بیوت صهیون من أجل أن الله اصطفی له أمته وأعطاه النصر وشدّد الصالحین منهم بالكرامة، یسبحونه علی مضاجعهم ویکبرون الله بأصوات مرتفعة، بأیدیهم سیوف ذوات شفرتین لینتقموا الله من الأمم الذین لا یعبدون، یوثقون ملوکهم بالقیود وأشرفهم بالأغلال». ترجمه ابن قتیبه از این آیات تقریباً با ترجمه ابن الیث (ص ۲۶۴) تطابق دارد.

۲. بنگرید به: *الدين والدولة*، تحقیق مینگانا، ص ۷۸، بند اول، سطور ۳-۸: وقال فی المزمور المائة والتاسع والأربعین: من أجل أن الرب ارتاح لشعبه وتطوّل علی المساکین بالخلاص فلیتعز الأبرار بالكرامة ویسبحونه علی مضاجعهم ویکرموا الله بحناجرهم، لأن فی أیدیهم السیف ذا الشفرتین للانتقام من الشعوب وتوبیخ الأمم وإئصال ملوکهم بالقیود وعلیتهم ومکرمهم بالسلاسل لیحملهم علی القدر المکتوب المبرم لجمیع أبراره. برای بحث و مقایسه دقیق ترجمه‌های ابن قتیبه و ابن ربین از آیه ۱۴۹ مزامیر داود، همچنین بنگرید به:

Curt Peters, "Psalm 149 in Zitaten islamischer Autoren", *Biblica*, 21 (1940), p. 138-51.

3. Cf. Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 12.

۴. بنگرید به: *الدين والدولة*، تحقیق مینگانا، ص ۷۸، بند اول، سطور ۸-۱۳.

5. Cf. Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 5:

من أعلامه فی التوراة: قال الله سبحانه فی التوراة لموسی فی السفر الخامس: «إنی أقیم لبنی إسرائيل نبیاً من إخوانهم منلک، وأجعل کلامی علی فمه». برعکس ترجمه ابن ربین که وی این آیه را با آیه ۱۵، باب ۱۸ سفر تثنیه در هم آمیخته است. بنگرید به: *الدين والدولة*، تحقیق مینگانا، ص ۷۳، بند اول، سطر ۱۳، ص ۷۴، بند اول، سطر ۱: فالنبوة الخامسة الدالة علیه المشیرة إلى نبوته وحقه قول موسی علیه السلم فی الفصل الحادی عشر من التوراة من السفر الخامس، وهو الأخير، لبنی إسرائيل: إن الرب الهکم یقیم نبیاً مثلی من بینکم ومن إخوانکم فاسمعوا له. وقالت التوراة فی هذا الفصل بعینه مؤكداً لهذا القول وموضحاً له: إنی مقیم لهم نبیاً منلک من بین إخوانهم وأیما رجل لم یسمع کلماتی التي یؤدیها ذلک الرجل باسمی أنا انتقم منه. ترجمه‌های ابن قتیبه و ابن ربین از ترجمه ای که ابن الیث (ص ۲۶۶) آورده، متفاوت است.

6. Cf. Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 5.

7. Cf. *al-Dīn wa-l-dawla*, ed. Mingana, p. 74, l. 1-15.

المؤید بخشی از آیات ۱۱-۱۳، باب ۴۲ اشعیا و اشعیا، باب ۵، آیات ۲۶-۳۰ را در بخش پانزدهم به صورت ترکیبی آورده و از حیث الفاظ ترجمه او به نحو تامی با ترجمه ابن قتیبه در اعلام تطابق دارد.<sup>۱</sup> بر عکس ابن ربن دو عبارت را به صورت مجزا و در دو جای مختلف آورده و ترجمه او به وضوح متفاوت از آنچه است که ابن قتیبه و المؤید آورده اند.<sup>۲</sup> علیرغم برخی تفاوت‌های در الفاظ و سبک بسیار اختصار گونه المؤید، (او همچنین آیه قرآنی سوره ۲۲، آیه ۲۷ را نیز از قلم انداخته و نیآورده است)، توضیحاتش پس از نقل عبارت انجیلی شباهت با عبارات ابن قتیبه دارد.<sup>۳</sup>

ترجمه آیات ۲۶-۲۷، باب ۱۵ انجیل یوحنا و آیه ۷، باب ۱۶ همان انجیل (بخش ۱۶) که پس از آن آیات ۱۳، ۷-۸، باب شانزدهم همان انجیل نقل شده (بخش ۱۷) بار دیگر تطابق کاملی با آنچه که ابن قتیبه در اعلام آورده، دارد در حالی که تنها عبارت دوم بدیلی برابر در کتاب *الدین و الدوله* ابن ربن دارد.<sup>۴</sup>

ترجمه‌های المؤید آمده در بخش‌های ۴، ۱۳ و ۱۴ عموماً با ترجمه‌هایی که ابن ربن

1. Cf. Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 24:

فی کتاب شعیا: «إنه ستمتلى البادية والمدن قصور آل قيذار يسبحون ومن رؤوس الجبال ينادون هم الذين يجعلون لله الكرامة و يبثون تسبيحه في البر و البحر». و قال: «ارفع علماً لجميع الأمم من بعيد فيصفر بهم من أقاصى الأرض، فإذا هم سراع يأتون».

۲. بنگرید به: *الدین و الدوله*، تحقیق مینگانا، ص ۷۸، بند اول، سطر ۱۴، ص ۷۹، بند اول، سطر اول (اشعیا، باب ۴۲، آیات ۱۱-۱۳)، ص ۸۰، بند اول، سطور ۱-۹ (اشعیا، باب ۵، آیات ۲۶-۳۰)؛ و قال علیه السلم فی المزمور المائة والثاني والخمسين فسمى البلد والأهل فلم يدع موضع مقال ولا اعتلال، وهو مزمور ينسب إلى أشعيا النبي عليه السلم: لترتاح البوادي وقراها ولنصر أرض قيذار مروجاً ولئسبح سكان الكهوف ويهتفوا من قلال الجبال بحمد الرب و يذيعوا تسبيحه في الجزائر لأن الرب يجيء كالجبار وكالرجل المحرب المتلظى للتكبر فهو يزجر ويتجبر ويقتل أعداءه.. .. إني رافع آية للأمم من بلد بعيد وأصفر لهم من أقاصى الأرض صف يرا فيأتون سراً عا عجلاً لا يملون ولا يعثرون ولا ينعسون ولا ينامون ولا يحلون مناطقهم ولا ينقطع خفافهم سهامهم مسنونة وقسيهم موتره وحوافر خيلهم كالجلاميد صلابه وعجلهم مسرعه مثل الزوابع وزئيرهم كنهيم اللبوث وكشبل الأسد الذي يزأر وينهم للفريسة فلا ينجو منه ناج ويرهقهم يومئذ مثل دوى البحر واصطكاكه ويرمون بأبصارهم إلى الأرض فلا يرون إلا النكبات والظلمات وينكشف النور على عجاج جموعهم.

3. Cf. Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, §24.

4. Cf. Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, §18-19:

[۱۸] قال المسيح للحواريين: أنا أذهب وسيأتيكم البارقليط، روح الحق، الذي لا يتكلم من قبل نفسه، إنما هو كما يقال له، وهو يشهد على وأنتم تشهدون، لأنكم معي من قبل الناس، وكل شيء أعدّه الله لكم يخبركم به».

[۱۹] و فی حکایة یوحنا عن المسيح أنه قال: «البارقليط لا يجيئكم ما لم أذهب، فإذا جاء وبخ العالم على الخطيئة، ولا يقول من تلقاء نفسه شيئاً ولكنه مما يسمع به يكلمكم ويسوسكم بالحق ويخبركم بالحوادث والغيوب».

۵. بنگرید به: *الدین و الدوله*، تحقیق مینگانا، ص ۱۱۹، بند اول، سطور ۳-۵.

آورده تطابق دارد و با ترجمه‌های ابن ربین تفاوت دارد.<sup>۱</sup> ترجمه‌ای که المؤید از آیات ۱ - ۲، باب ۳۵ اشعیا در بخش چهارم آورده، اساساً با ترجمه‌ای که ابن ربین آورده، تطابق دارد جز آنکه ترجمه‌ای جامع‌تر و کاملتر است. هر چند استدلال المؤید پس از نقل عبارت کتاب مقدس همانند استدلال ابن قتیبه است اما تشابهی با عبارت‌های ابن ربین ندارد که اساساً استدلال‌ات او به گونه‌ای دیگر است.<sup>۳</sup>

ترجمه آیه ۱، باب ۲۱ اشعیا که در بخش سیزدهم آمده، به نحو کاملی با آنچه که ابن ربین آورده تطابق دارد که او ترجمه‌ای کاملی از آیات ۱ تا ۱۰، باب ۲۱، اشعیا را در کتاب *الدين والدولة* آورده است،<sup>۴</sup> در حالی که آیه مذکور در *اعلام النبوة* ابن قتیبه نیامده است. با این حال باید توجه نمود که المؤید ترجمه آیات ۶-۷ و ۹، باب ۲۱ کتاب اشعیا را در بخش یازدهم آورده است. در اینجا ترجمه او از آیات ۶-۷ باب ۲۱ کتاب اشعیا کلمه به کلمه با ترجمه‌ای که ابن قتیبه آورده، تطابق دارد در حالی که ترجمه او با برگردان ابن ربین تفاوت دارد،<sup>۵</sup> کما اینکه ترجمه او از آیه ۹، باب ۲۱ کتاب اشعیا نیز بار دیگر شباهت بیشتری به ترجمه‌ای که ابن ربین آورده دارد تا ترجمه

1. Cf. Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 34:

و فی شعیا عن الله: إني أعطى البادية كرامة لبنان و بهاء الكرمال»، و كرمال و لبنان الشام وبيت المقدس، یرید: «اجعل الكرامة التي كانت هناك بالوحي و ظهور الأنبياء للبادية بالحج و بالنبي عليه السلام، ثم قال: البادية مياه و سواقی فی أرض الفلاة، و يكون الفيافي و الأماكن العطاش ينابيع و مياهها، و يصير هناك مخبئة و طريق الحرام لا يمر به أنجاس الأمم، و الجاهل به لا يصل هناك، و لا يكون به سباع و لا أسد، و يكون هناك ممر المخلصين».  
۲. بنگرید به: *الدين والدولة*، تحقیق مینگانا، ص ۸۵، بند اول، سطور ۳-۱۰ (شباهت‌ها با ترجمه المؤید با خطی در زیر عبارت‌ها مشخص شده است): و قال فی الفصل السادس عشر مفسراً لما تقدم فی النبوات و مبكناً لأهل المحك و الغوايات: لتفرح أهل البادية العطشى و لتبتهج البرارى و الفلوات و لتخرج نوراً كنور الشلسلبد و لتسر و تزه مثل الوعل لأنها ستعطي بأحمد محاسن لبنان و كمثل حسن الدساكر و الرياض. و سيرون جلال الله عز و جل و بهاء إلهنا. أما ترون يهديكم الله ماذا كشف لكم النبي عليه السلم و نطق به الوحي من ذكر البوادى و القفار و ما بشرها الله تعالى به من الجدة و النضرة و الكرامات المعدة لها بأحمد عليه السلم فهل يختلج شك بعد التسمية و وصف البادية المعطشة.

3. Cf. *al-Dīn wa-l-dawla*, ed. Mingana, p. 67, l. 19-68, l. 4.

۴. بنگرید به: *الدين والدولة*، تحقیق مینگانا، ص ۸۱، بند اول، سطر ۱۷، ص ۸۲، بند اول، سطر ۱ (موارد تشابه با ترجمه المؤید با خطی در زیر عبارت مشخص شده است): «و قال فی الفصل العاشر كاشفاً لما اشتبه لما اغتاص من نبواته: هكذا يقول الرب: إنك ستأتى من جهة التيمن من بلد بعيد و من أرض البادية مسرعاً مقدماً مثل الزوابع و الزعازع من الرياح ...».

5. Cf. Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 17:

(شباهت‌ها با عبارت المؤید با خطی در زیر کلمات مشخص شده است): «و فی شعیا: قيل لى: قم نظاراً فانظر ماذا ترى تخبر به، قلت: أرى راكبين مقبلين، أحدهما على حمار و الآخر على جمل، يقول أحدهما لصاحبه: سقطت بابل و أصنامها المنجرة».

ای که ابن قتیبه آورده است.<sup>۱</sup>

ترجمه المؤید برای آیات ۷-۱، باب ۶۰، کتاب اشعیا در بخش چهاردهم، باز به نحو کاملی با بخش‌های مشابه در ترجمه ابن ربن تطابق دارد جر آنکه ترجمه ای تفصیلی تر است، برخلاف ترجمه متفاوت تنها از آیات ۱، ۴-۵ و هفت باب شصتم کتاب اشعیا که ابن قتیبه در کتاب الاعلام آورده است.<sup>۲</sup>

ترجمه المؤید از آیات ۸-۱۳، ۱۵ و ۱۷، باب ۷۲ مزامیر داود (بخش ۶) با ترجمه ابن قتیبه و ابن ربن تشابه داد جز آنکه ترجمه ابن ربن تفصیلی تر است مگر در آخرین جمله که ترجمه المؤید بدیلی در برگردان ابن قتیبه در اعلام ندارد اما در برگردان ابن ربن چنین بدیلی آمده است.<sup>۳</sup> توضیح کوتاه المؤید پس از نقل از کتاب مقدس از حیث

۱. بنگرید به: *الدین و الدولة*، تحقیق مینگانا، ص ۸۱، بند اول، سطر ۱۷، ص ۸۲، بند اول، سطر ۱۶ (تشابه کلمات با ترجمه المؤید با خطی در زیر عبارتها مشخص شده است): «... لأن الرب قال لی هكذا امض فأقم الربیة علی لمنظرة لیخبر بما یری. فكان الذی رأى راکبین أحدهما راکب حمار و الآخر راکب جمل و سمع مقالاً کثیراً جمّاً و أسر صاحب المنظرة إلی و قال لی فی أذنی: أنا الرب القیوم و أنا بالمرصاد و المنظر الأعلى لیلاً و نهاراً. فبینما أنا كذلك إذا أقبل أحد الراکبین و هو یقول هوت هوت بابل و تکسر جمیع آلهتها المنجورة علی الأرض. فهذا الذی سمعت من الرب إله إسرائيل العزیز قد أنبأ تکم».

۲. بنگرید به: *الدین و الدولة*، تحقیق مینگانا، ص ۹۴، بند اول، سطر ۱۴، ص ۹۵، بند اول، سطر ۶ (تشابهات با ترجمه المؤید با خطی در زیر کلمات مشخص شده است): «و تنبأ فی هذا الفصل بما لا یرده إلا الخاسرون و لا یجهله إلا الأجهلون الأعمون فإنه ذکر أيضاً هاجر مخاطباً لها و لبلاد ولدها، مکه، و قال: قومی و ازهری مصباح فقد دنا وقتک و کرامة الله طالعه عليك فقد تخللت الأرض الظلام و غطی علی الأمم الضباب. فالرب یشرق عليك إشراقاً و تظهر کرامته عليك. و تسیر الأمم إلی نورک و الملوک إلی ضوء طلوعک . ارفعی بصرک إلی ما حولک و تأملی. فإنهم سیجتمعون کلهم إلیک و یحجونک و یأتیک ولدک من بلد بعید و تتربی بناتک علی الأرائک والسرر. و یستریح قلبک من أجل أنه یمیل إلیک البحر و تحج إلیک عساکر الأمم حتی تعمرک الأبل المربله و تضیق أرضک عن الفطرات التي تجتمع إلیک. و یساق إلیک کباش مدین و کباش أعفا و تآتیک أهل سبأ و یحدثون بنعم الله و یمجدونه و تسیر إلیک أغنام قیدار کلها و تخدمک رخللات نباوت و یرفع إلی مذبحی ما یرضینی و أحدث حیثنذ لبیت محمدتی حمداً». برای ترجمه ابن قتیبه از اشعیا، باب ۶۰، آیات ۱، ۴، ۵، ۷ بنگرید به:

Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 31:

«فقومی فأشرقی، فإنه قد دنا نورک و وقار الله عليك: انظری بعینک حولک، فإنهم مجتمعون، یأتیک بنوک و بناتک عدواً فحیثنذ تسرین و تزهیرین و یخاف عدوک و یتسع قلبک، و کل غنم قیدار تجمع إلیک، و سادات نباوت یخدمونک».

۳. بنگرید به: *الدین و الدولة*، تحقیق مینگانا، ص ۷۶، بند اول؛ سطر ۹، ص ۷۷، بند اول، سطر ۳ (شباهت‌ها با ترجمه المؤید با خطی در زیر عبارات مشخص شده است): «و قال أيضاً فی المزمور الثانی و السبعین ما اکد به و شدد النبوات المتقدمة: إنه یجوز من البحر إلی البحر و من لدن الأنهار إلی منقطع الأرض و أنه یخر أهل الجزائر بین یدیه علی ركبهم و تلحس أعداءه التراب تأتیه ملوک تارسیس و الجزائر بالقربین و تقرب إلیه ملوک سبأ و ملوک سابا القربین و تسجد له الملوک کلهم و تدین له الأمم کلها بالطاعة و الانقیاد لأنه یخلص

محتوا با هر دو مطالب ابن قتیبه و ابن ربیع تطابق دارد،<sup>۱</sup> هر چند تفصیلی تر از آنهاست و به وضوح مستقل از آنهاست.

ترجمه المؤید از آیه ۶، باب ۹، کتاب *الشعیا* (بخش نهم) نیز نزدیک تر اما نه کاملاً مشابه با هر دو ترجمه ابن قتیبه و ابن ربیع از آن که بر طبق تحریر سریانی و عبری اناجیل است.<sup>۲</sup>

با ارایه چندین مثال اندک از تطابق لفظی میان ترجمه‌های ابن ربیع، این امکان که المؤید کتاب *الدین و الدولة* را در دسترسش داشته، منتفی است. همچنین چندان محتمل نیست که المؤید کتاب *اعلام ابن قتیبه* را نیز در اختیار داشته به دلیل اضافتی که المؤید گاه در ترجمه‌های خود آورده است (بنگرید به بخش اول) و شیوه‌گزینشی عبارت‌های مطالب عهدینی که در اعلام آمده است. بر این اساس می‌توان پیشنهاد داد که المؤید به منبع / منابعی از سنت ترجمه‌ها دسترسی داشته است که پیش یا همزمان با ترجمه‌های در دسترس ابن ربیع در کتاب *الدین و الدولة* و ابن قتیبه در *اعلام النبوة* بوده است. وجود ترجمه یا ترجمه‌های متفاوت به جز آنهایی که در دسترس دو مؤلف و کتابهای مهمشان بوده، با فهرست دیگر نقل‌های دال بر نبوت پیامبر که در قرون دوم / هشتم میلادی تا ششم هجری / دوازدهم میلادی همچون رساله ابن لیث<sup>۳</sup>، ماوردی

---

المضطهد البائس ممن هو أقوى منه و يفقد الضعيف الذي لا ناصر له و يرأف بالضعفاء و المساكين و ينجي أنفسهم من الضرر و الضيم و تعز عليه دماؤهم و أنه يقي و يعطي من ذهب بلاد سبأ و يصلی عليه في كل وقت و يبارك عليه كل يوم مثل الزروع الكثيرة على وجه الأرض و يطلع ثماره على رؤوس الجبال كالتی تطلع من لبنان و نبت في مدينته مثل عشب الأرض و يدوم ذكره إلى الأبد و إن اسمه لموجود قبل الشمس فالأمم كلهم يتبركون به و كلهم يحمدونه». برای ترجمه ابن قتیبه از مزامیر باب ۷۲، آیات ۸-۱۷ بنگرید به:

Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 15:

«و فی مزمور آخر من صفته: «إنه يجوز من البحر إلى البحر و من لدن الأنهار إلى منقطع الأرض، و أنه تخر أهل الجزائر بين يديه على ركبهم و يلحس أعداؤه التراب، تأتيه الملوک بالقرابين و تسجد له و تدین له الملوک بالطاعة و الانقياد، لأنه يخلص المضطهد البائس ممن هو أقوى منه و يتقد الضعيف الذي لا ناصر له و يرأف بالضعفاء و المسالكين، و أنه يعطي من ذهب بلاد سبأ و يصلی عليه في كل وقت و يبارك في كل يوم، و يدوم ذكره إلى الأبد». درباره استناد به مزامیر ۷۲، آیات هشت به بعد، در ابن ربیع کتاب *الدین و الدولة* و دیگر متون بنگرید به:

Peters, "Psalm 149 in Zitaten islamischer Autoren," p.149-51.

۱. بنگرید به: *الدین و الدولة*، تحقیق مینگانا، ص ۷۷، بند اول، سطور ۳-۱۲.

۲. بنگرید به: *الدین و الدولة*، تحقیق مینگانا، ص ۸۰، بند اول، سطور ۱۲-۱۶؛

Schmidtke, "Muslim Reception", Section IV, § 11.

۳. بنگرید به قبل، پی نوشت ۱۴.

(متوفی ۱۰۵۸/۴۵۰) کتاب *اعلام النبوة*<sup>۱</sup> یا قطب‌الدین راوندی (متوفی ۱۱۷۷/۵۷۳ = ۱۱۷۸) *الخرائج و الجرائح* مورد استناد قرار گرفته، تایید می‌گردد.<sup>۲</sup>

به علاوه منابعی که المؤید را به سنت ترجمه‌ای که بر اساس کتابهای ابن ربین و ابن قتیه مورد تأیید است (بنگرید به قبل)، وی منبع یا منابع برای ترجمه‌ای دیگر در دسترس داشته است. سوای ترجمه بخشی از آیه ۱۴۹ مزامیر داود در بخش هشتم که تا حد زیادی همانند ترجمه ابن قتیه است (بنگرید به قبل)، المؤید ترجمه بخش‌هایی دیگر از آیات ۱۴۹، ۱ - ۳، ۶ - ۷ مزامیر داود در بخش دوازدهم آورده که کاملاً متفاوت است از ترجمه‌هایی که او در بخش هشتم آورده است و با عبارت آغازینی شروع می‌شود که احتمالاً اشاره‌ای است به آیه ۷، باب ۲۱ اشعیا (پیروان شتر سوار). در حالی که ترجمه یا عبارت آغازین در کتابهای ابن قتیه و ابن ربین نیامده است. ترجمه بدیل آیه ۱۴۹ مزامیر داود به همراه اضافه آغازین آنها به صراحت در سنت / منبع ترجمه‌ای دیگری باید باشد. همان تحریر کاملاً در میان شیعیان دوازده امامی رواج و تداول داشته است و به امام علی بن موسی الرضا (۱۵۱ یا ۱۵۳ - ۲۰۳/۷۶۸ یا ۷۷۰ - ۸۱۸) توسط ابوجعفر بن بابویه (متوفی ۹۹۱/۳۸۱ - ۹۹۲) در *عیون اخبار الرضا* که ظاهراً کهنترین ارجاع به آن است، نسبت داده شده است.<sup>۳</sup>

1. The first scholar to study Māwardī's list of biblical passages was Martin Schreiner, who was still unaware of Ibn Rabban's *al-Dīn wa-l-dawla* ("Beitrage zur Geschichte der Bibel in der arabischen Literatur", *Semitic Studies in memory of Rev. Dr. Alexander Kohut*, ed. George Alexander Kohut, Berlin, S. Calvary & Co, 1897, p. 495-513). Franz Taeschner has shown that although Māwardī's translations often agree with those adduced by Ibn Rabban, the latter cannot possibly have been Māwardī's source; see his "Die alttestamentlichen Bibelzitate, vor allem aus dem Pentateuch, in at-Ṭabarī's Kitāb ad-Dīn wa-d-Dawla und ihre Bedeutung für die Frage nach der Echtheit dieser Schrift", *Oriens Christianus*, 3/9 [31] (1934), p. 33-4. Thomas' interpretation of Taeschner's statements as confirming that Māwardī's biblical quotations were derived from Ibn Rabban ("Muslim Regard", p. 23, n. 34) is mistaken.

۲. تحقیق السید محمد باقر الموحّد الایطحی (قم: مؤسسه النشر الامام المهدی، ۱۹۸۸/۱۴۰۹-۱۹۸۹)، ج ۱، ص ۷۲-۸۰.  
 ۳. بنگرید به: ابن بابویه، *عیون اخبار الرضا*، تحقیق مهدی الحسینی الاجوردی (قم، چاپخانه دار العلم، ۱۳۷۷-۱۹۵۸/۱۳۷۹)، ج ۱، ص ۱۶۱؛ همو، *کتاب التوحید*، تحقیق السید هاشم الحسینی الطهرانی (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۲۰۰۵/۱۳۸۴/۱۴۲۶)، ص ۴۱۲، بند اول، سطور ۱۱ - ۱۶ (شبهات‌ها با ترجمه المؤید با خطی در زیر عبارت‌ها مشخص شده است): «ثُمَّ التَّفَتَّ عَ إِلَى رَأْسِ الْجَالُوتِ فَقَالَ يَا يَهُودِي أَقْبِلْ عَلَيَّ أَسْأَلُكَ بِالْعَشْرِ آيَاتِ الَّتِي أَنْزَلْتُ عَلَيَّ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَ هَلْ تَجِدُ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبًا نَبَأَ مُحَمَّدٍ وَ أُمَّتِهِ إِذَا جَاءَتِ الْأُمَّةُ الْأَخِيرَةُ أَتْبَاعَ رَاكِبٍ الْبَعِيرِ يُسَبِّحُونَ الرَّبَّ جِدًّا جِدًّا تَسْبِيحًا جَدِيدًا فِي الْكُنَائِسِ الْجُدُدِ فَلْيُفْرَغْ نَبُو إِسْرَائِيلِ

### III

تصحیح آمده از فصل سوم کتاب اثبات النبوة النبی مبتنی بر نسخه‌های خطی از متن با این مشخصات است:

- ۱- نسخه خطی دار الکتب المصریه (قاهره) علم الکلام شماره ۱۵۶۷ (أ)، ۹۱ برگ، ابعاد ۲۴ در ۱۷ سانتی متر، کتابت شده در ۱۰ شوال ۱۲۵۱/۵۵۱ نوامبر ۱۱۵۶. میکروفیلمی از این نسخه در معهد المخطوطات العربیه نیز موجود است.<sup>۱</sup> بخش مربوط در برگ‌های ۷۲ الف-۷۵ با است. بر اساس این نسخه، متن دوبار منتشر شده است: (الف) تصحیح خلیل احمد ابراهیم الحاج (قاهره، دار التراث العربی، ۱۳۹۹/۱۹۷۹)

إِلَيْهِمْ وَإِلَىٰ مَلِكِهِمْ لِيَتَطَمَّنَ قُلُوبُهُمْ فَإِنَّ بِأَيْدِيهِمْ سُبُوفًا يَنْتَقِمُونَ بِهَا مِنَ الْأُمَمِ الْكَافِرَةِ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ هَكَذَا هُوَ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ. این تحریر بعدها به نحو گسترده‌ای در میان شیعیان دوازده امامی رواج داشته است. بنگرید به: ابوالفتح الکرآجکی (متوفی ۱۰۵۷/۴۴۹ - ۱۰۵۸)، کنز الفوائد، دو جلد، تحقیق عبدالله نعمه (قم: دار الذخائر، ۱۳۸۴/۱۴۰۵)، ج ۱، ص ۲۰۴؛ الفضل بن الحسن الطبرسی (متوفی ۱۱۵۳/۵۴۸)، الاحتجاج، دو جلد، تعلیقات و ملاحظات محمد باقر الخراسانی (نجف، مطبعة نعمان، ۱۹۶۵ - ۱۹۶۷)، ج ۲، ص ۲۰۶؛ محمد بن الحسن الحر العاملی (متوفی ۱۱۰۴/۱۶۹۳)، الجواهر السنیه فی احادیث القدسیه، نجف، بی جا، ۱۹۶۴، ص ۵۴؛ محمد باقر المجلسی (متوفی ۱۱۱۰/۱۶۹۹ یا ۱۱۱۱/۱۷۰۰)، بحار الانوار، (مجلدات ۰-۲۸، ۳۵-۱۱۰)، تحقیق جواد علوی (و دیگران)، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ - ۱۳۷۷/۱۴۰۵ - ۱۹۸۵)، ج ۱۰، ص ۳۰۵، ج ۱۳، ص ۳۴۷؛ السيد نعمت الله الجزائري (متوفی ۱۱۱۲/۱۷۰۰)، نور البراهین او انیس الوحید فی شرح التوحید، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۹۷/۱۴۱۷ - ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۴۵۷؛ مسند الامام الرضا، تحقیق عزیزالله العطاردی الخبوشانی (مشهد، مؤتمر العالمی للامام الرضا، ۱۳۸۶/۱۴۰۶)، ج ۲، ص ۸۰. همچنین بنگرید به:

David Thomas, "Two Muslim-Christian Debates from the Early Shī'ite Tradition", *Journal of Semitic Studies*, 33 (1988), p. 53-80, esp. 76f. On the heavily embellished report of the debate of the Imām al-Riḍā with a Christian Patriarch and a Jewish Exilarch in which the passage is found, see also Steven M. Wasserstrom, *Between Muslim and Jew. The Problem of Symbiosis Under Early Islam*, Princeton, Princeton University Press, 1995, p. 113-6; David J. Wasserstein, "The 'Majlis of al-Riḍā': A Religious Debate in the Court of the Caliph Al-Ma'mūn as Represented in a Shī'ite Hagiographical Work about the Eighth Imām Alī ibn Mūsā Al-Riḍā", *The Majlis: Interreligious Encounters in Medieval Islam*, ed. Hava Lazarus-Yafeh et al., Wiesbaden, Harrassowitz, 1999, p. 108-19.

۱. برای وصفی از این نسخه بنگرید به: فؤاد سید، فهرس المخطوطات المصورة (قاهره، مطبعة دار الکتب، ۱۹۵۴، تجدید چاپ ۱۹۸۸)، ج ۱، ص ۱۱۴، شماره ۴؛ معجم التراث الکلامی: معجم یتناول ذکر اسماء المؤلفات الکلامیه (المخطوطات و المطبوعات) عبر القرون و المكتبات التي تتوفر فيها نسخها، شش جلد، تألیف اللجنة العلمیة فی مؤسسة الامام الصادق، اشراف جعفر السبحانی (قم، مؤسسة الامام الصادق، ۲۰۰۲-۲۰۰۳)، ج ۵، ص ۳۵۷، شماره ۱۱۹۷۷. همچنین بنگرید به:

GAS, vol. 1, p. 570, # 14.

من از او ماریا تسایس برای کمک به دسترسی به این نسخه سپاسگزار هستم.

(تجدید چاپ بیروت، بی‌تا، بی‌نا) (مطلق)؛ (ب) تصحیح عبدالکریم احمد جدبان، صعده، مکتبه التراث الاسلامی، ۱۴۲۴/۲۰۰۳ (مطص).<sup>۱</sup>

۲- نسخه خطی واتیکان، نسخه‌های عربی، شماره ۲/۱۰۱۹، برگ‌های ۷۲-۱۶۹ الف (ف)؛ کتابت شده در جمادی‌الثانی ۶۹۱ / می ۱۲۹۲. بخش مربوط در برگ‌های ۱۵۹-۱۶۳ ب است.

۳- نسخه مجلس ۱/۴۲۴۷، صفحه ۱-۱۵۱ (م). از ابتدای نسخه یک برگ افتاده است (متن در برگ ۱ ب (=ص ۲) شروع شده و منطبق است با تصحیح الحاج، ص ۱۱، بند اول، سطر ۱۴ / تصحیح جدبان، ص ۵۱، بند اول، سطر ۱۵ (و استدرکوا). بخش مرتبط در صفحات ۱۴۵-۱۴۸ است. در حالی که نسخه اثبات المؤید تاریخ کتابت ندارد، متن دوم مجموعه تاریخ کتابت ۹۹۳ / سپتامبر - اکتبر ۱۵۸۵ دارد.<sup>۳</sup> نسخه در اصل متعلق به مجموعه سید نصرالله تقوی (۱۲۴۲-۱۳۲۶ ش / ۱۸۶۳-۱۹۴۷).<sup>۴</sup>

۴- نسخه خطی دانشگاه مشکات ۹۲۷، در ۱۹۷ صفحه (د). بخش مربوط در صفحات ۱۸۲-۱۹۰ است. نسخه که از آغاز ناقص است از روی نسخه مجلس کتابت شده همانگونه که در برگ ۱ ب ذکر شده که نسخه از روی متن آمده در مجموعه تقوی کتابت شده است.<sup>۵</sup>

۱. بنگرید به: علی موسوی نژاد، *تراث الزیدیه* (قم: معهد دراسات الادیان و المذاهب الاسلامیه، ۱۳۸۴ / ۲۰۰۵)، ص ۸۹ از گرگور شوارب (Gregor Schwarb) که تصحیح خلیل احمد ابراهیم الحاج را در اختیارم قرار داد، سپاس دارم.

۲. برای وصفی از این نسخه بنگرید به:

Giorgio Levi della Vida, *Elenco dei manoscritti arabi islamici della Biblioteca Vaticana. Vaticani Barberiniani Borgiani Rossiani*, Rome, Biblioteca apostolica vaticana, 1935, p. 118. See also *GALS*, vol. 1, p. 317; *GAS*, vol. 1, p. 570, # 14.

تصویری از این نسخه در مرکز احیاء میراث اسلامی در قم نیز موجود است. بنگرید به: جعفر حسینی اشکوری و صادق حسینی اشکوری، *فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی* (قم: مرکز احیاء میراث اسلامی، ۱۳۷۷/۱۹۹۸)، ج ۴، ص ۲۹۶-۲۹۸.

۳. توجه به این نسخه را مدیون احمد رضا رحیمی ریشه هستم. برای توصیفی از این نسخه بنگرید به: عبدالحسین الحائری و دیگران، *فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، بیست و دو جلد* (تهران، مجلس شورای ملی، ۱۳۰۵-۱۳۵۷/۱۳۵۷-۱۹۷۸)، ج ۱۱، ص ۲۶۲-۲۶۳، شماره ۴۲۴۷ (معرفی شده با عنوان *اعجاز القرآن*).

۴. درباره او بنگرید به: رقیه رسولی، «تقوی، سید نصرالله»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۷، ص ۸۰۶-۸۰۷.

۵. برای توصیفی از این نسخه بنگرید به: علی نقی منزوی تهرانی، *فهرست کتابخانه اهدایی آقای محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران*، جلد ۱ (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۰-۱۹۵۱/۱۹۵۲)، ص ۷-۸ (معرفی شده با عنوان *اعجاز القرآن*). همچنین بنگرید به: *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران*، به کوشش مصطفی درایتی (تهران: مجلس شورای اسلامی، ۲۰۱۰/۱۳۸۹)، ج ۲، ص ۳۵، شماره ۴۹۸۵۷.

<http://www.aghazoz.org.ir/showbookdetail.aspx?bookid=47585> [accessed 14/11/2011].



۵- نسخه‌ای ناقص دیگر از متن که فصل سوم اثبات المؤید در آن نیامده در ضمن مجموعه لندبرگ آمده است. اصل نسخه به دو بخش تقسیم شده است: (الف) لندبرگ ۴۳۷ (برلین، آلورات، ۱۰۲۸۰)<sup>۱</sup> که مشتمل بر بخش اعظم فصل اول (برگ‌های ۱ ب- ۳۱ ب = تصحیح الحاج، ص ۱۱ - ۱۰۱، بند اول، سطر ۸ (حسنا)، ابوالقاسم بستنی (حیات اواخر قرن چهارم / دهم میلادی و اوایل قرن پنجم / یازدهم میلادی) کتاب البحث عن ادلة التكفير و التفسیق (برگ‌های ۱ الف سطر ۱- ۱ ب، سطر ۸، ۳۳ الف، سطر ۴- برگ ۴۱ ب، سطر ۲۵، برگ ۵۰ ب، سطرهای ۱۳ - ۲۲)<sup>۲</sup> و بخش‌هایی از کتاب ناشناخته در الناسخ و المنسوخ (برگ‌های ۴۲ الف ۵۰ ب، سطر ۱۳): (ب): امین (قبلا لندبرگ) ۶۱۳ (لایدن، نسخه‌های شرقی ۲۹۷۳) [= Ar 2331]، ۴۹ برگ، مشتمل بر بخش‌هایی دیگر از کتاب البحث بستنی (برگ‌های ۱۸ - ۴۹) و اثری ناشناخته در الناسخ و المنسوخ (برگ‌های ۱-۱۷).<sup>۳</sup>

باب ذکر<sup>۴</sup> ما وجد فی الكتب المتقدمة من البشارات بالنبی صلی الله علیه و علی آله<sup>۵</sup>

→  
میکروفیلمی از این نسخه در معهد المخطوطات العربیة در قاهره نیز موجود است. بنگرید به: زکریا سعید علی، «مخطوطة فرید فی اعجاز القرآن»، مجلة معهد المخطوطات العربیة، ۱/۴۱ (۱۹۹۷/۱۴۱۸)، ص ۹۱-۱۳۴ (توجه به این مطلب را مرهون تذکر حسن انصاری هستم). از احمد رضا رحیمی ریشه برای دسترسی به دو نسخه های تهران تشکر دارم.

1 Cf. Wilhelm Ahlwardt, *Kurzes Verzeichnis der Landberg'schen Sammlung arabischer Handschriften*, Berlin, A.W. Schade, 1885, p. 42; *id.*, *Verzeichniss der arabischen Handschriften [= Die Handschriften-Verzeichnisse der Koniglichen Bibliothek zu Berlin. Einundzwanzigster Band ]*, Berlin, A.W. Schade, 1897, vol. 9, p. 588-90, # 10280/3. See also *GALS*, vol. 1, p. 317; *GAS*, vol. 1, p. 570, # 14.

۲. بنگرید به: ابوالقاسم بستنی، کتاب البحث عن ادلة التكفير و التفسیق، تصحیح و مقدمه از ویلفرد مادلونگ و زابینه اشمنیکه (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۲۰۰۳/۱۳۸۲).

3 Cf. C. Landberg, *Catalogue de Manuscrits arabes provenant d'une bibliotheque privee a El-Medina et appartenant a la maison E.J. Brill*, Leiden, Brill, 1883, p. 169; P. Voorhoeve, *Handlist of Arabic Manuscripts in the Library of the University of Leiden and other Collections in the Netherlands*, Leiden, Bibliotheca Universitatis, 1957, p. 450; Jan Just Witkam, *Inventory of the Oriental Manuscripts of the Library of the University of Leiden. Volume 3: Manuscripts OR. 2001- OR. 3000. Registered in Leiden University Library in the Period between 1871 and 1883*, Leiden, Ter Lugt Press, 2008, p. 238 [http://www.islamicmanuscripts.info / inventories / leiden / oro3000.pdf (accessed 14/22/2011)].

۴. باب ذکر: فی ذکر، م د؛ ذکر، مطص؛ الباب الثالث ذکر، مطق.  
۵. و علی آله؛ و آله وسلم، مطص؛ صلی الله علیه و علی آله؛ ص، م د.

هذه فصول يعرفها أهل الكتاب في كتبهم وليسوا<sup>١</sup> ينكرونها و قد جاريت فيها منهم من كان يرجع إلى حفظ كثير<sup>٢</sup> و ضبطها غير أنهم يتأولونها تأويلات فاسدة<sup>٣</sup>.  
 [١] فمن ذلك ما وجد في التوراة و قيل هو في السفر<sup>٤</sup> الأخير<sup>٥</sup> من الفصل العشرين<sup>٦</sup>:  
 «قد جاء الله من سيناء و أشرق<sup>٧</sup> من ساعير و استعلن من جبال<sup>٨</sup> فاران» (بنگريد به: سفر تشنيه، باب ٣٣، آيه ٢) فقله «جاء الله من سيناء» أراد به<sup>٩</sup> ابتعائه<sup>١٠</sup> موسى صلى الله عليه<sup>١١</sup> من قبل طور سيناء، و قوله «و أشرق من ساعير» أراد<sup>١٢</sup> [به] ابتعائه المسيح صلى الله عليه<sup>١٣</sup>، و ساعير الناحية التي كان فيها عيسى صلى الله عليه<sup>١٤</sup>. و قوله<sup>١٥</sup> «و استعلن<sup>١٦</sup> من جبال<sup>١٧</sup> فاران» أراد به ابتعائه محمداً صلى الله عليه و على آله<sup>١٨</sup> من جبال مكة، لأن جبال مكة تسمى في التوراة جبال<sup>١٩</sup> فاران، لا ينكر ذلك أحد ممن عرف التوراة.  
 [٢] و في التوراة «إن إبراهيم<sup>٢٠</sup> صلى الله عليه أسكن هاجر و إسماعيل<sup>٢١</sup> صلى الله

- 
١. وليسوا: وليس، م د.
  ٢. كثير: كتبهم، م د.
  ٣. تأويلات فاسدة: تأويلات فاسداً، ف.
  ٤. السفر: + الاولى (مشطوب)، أ.
  ٥. الأخير: الاحر، أ م د.
  ٦. من الفصل العشرين: من العشرين، ف؛ في الفصل العشرين، م د؛ في الفصل الثالث والثلاثين، مطلق مطص.
  ٧. و أشرق: أشرف، مطلق.
  ٨. جبال: جبل، مطلق مطص.
  ٩. به:، أ مطلق مطص.
  ١٠. ابتعائه: + تعالى، م د.
  ١١. صلى الله عليه:، ف؛ ص، م د.
  ١٢. أراد:، ف.
  ١٣. صلى الله عليه:، ف؛ ع، م د.
  ١٤. صلى الله عليه: ع، م د.
  ١٥. وقوله:، ف.
  ١٦. و استعلن: استعلن، م د.
  ١٧. جبال: جبل، مطلق مطص.
  ١٨. و على آله: وآله، ف؛ وآله وسلم، مطص: صلى الله عليه و على آله: ص، م د.
  ١٩. جبال: جبل، مطلق مطص.
  ٢٠. إبراهيم: ابراهيم، ف م د.
  ٢١. صلى الله عليه: ع، م د.
  ٢٢. و إسماعيل: واسماعيل، أ م.

علیه<sup>۱</sup> فاران» (بنگرید به: سفر پیدایش، باب ۲۱، آیه ۲۱)، یعنی مکه، و لم یبعث أحد من الأنبياء<sup>۲</sup> ابتعائاً ظاهراً، فشا أمره في مشارق الأرض و مغاربها كما اقتضى قوله «استعلن»، لأن استعلن هو<sup>۳</sup> بمعنى علن إذا ظهر وانكشف<sup>۴</sup> غير محمد صلى الله عليه و على آله و سلم<sup>۵</sup>، فلم يبق ريب في أنه هو المراد بهذه اللفظة.

[۳] و في التوراة «إن هاجر تراءى لها ملك<sup>۶</sup> وقال<sup>۷</sup>: يا هاجر<sup>۸</sup>، إني سأكثر<sup>۹</sup> ذريتك و زرعك حتى لا يصوا كثرة<sup>۱۰</sup>، و ها أنت<sup>۱۱</sup> تحبلين و تلدين ابناً و تسمينه<sup>۱۲</sup> إسماعيل<sup>۱۳</sup>، لأن الله عزوجل<sup>۱۴</sup> قد سمع خشوعك<sup>۱۵</sup>، و تكون يده فوق يد الجميع، و يد الجميع مبسوطة إليه بالخضوع». (بنگرید به: سفر پیدایش، باب ۱۶، آیات ۷-۸، ۱۰-۱۲)

و قد علمنا أن المراد بهذا<sup>۱۶</sup> ولد إسماعيل<sup>۱۷</sup> و هو رسول الله صلى الله عليه و على آله<sup>۱۸</sup> لأن إسماعيل<sup>۱۹</sup> نفسه لم تكن يده فوق يد اسحاق<sup>۲۰</sup> و لا يد ولديه<sup>۲۱</sup> يعقوب صلى الله عليه<sup>۲۲</sup> و عيص<sup>۲۳</sup> مبسوطة إليه بالخضوع، و لم يكن في ولد إسماعيل<sup>۲۴</sup> من كانت أیدی اولاد إسرائيل و عيص<sup>۲۵</sup> و سائر الناس مبسوطة إليه<sup>۲۶</sup> غير رسول الله صلى الله عليه

۱. صلى الله عليه: ص، م؛ + جبال، م د.

۲. الأنبياء: + صلوات الله عليهم، ف؛ + ص، م.

۳. هو: إضافة في الهامش، م.

۴. انكشف: + ولم يستعلن، مطلق مطص.

۵. وسلم:، ف؛ صلى الله عليه وعلى آله وسلم: ص، م د.

۶. ملك: ملاك، مطلق مطص.

۷. وقال: فقال، م د.

۸. سأكثر: + ولدك (مشطوب)، أ.

۹. وها أنت: وهانت، ف.

۱۰. و تسمينه: وى سمى ه، ف.

۱۱. إسماعيل: اسمعيل، م د.

۱۲. عز وجل: تعالى، م د.

۱۳. بهذا: بهذه، ف م د مطلق.

۱۴. إسماعيل: اسمعيل، أ ف م د.

۱۵. وعلى آله: وآله، ف؛ وآله وسلم، مطص؛ صلى الله عليه وعلى آله: ص، م د.

۱۶. إسماعيل: اسمعيل، أ ف م د.

۱۷. إسحاق: اسحق، أ ف م د مطلق.

۱۸. ولا يد ولديه: ولا كانت يد اسحق ولا يد ولد، م د.

۱۹. صلى الله عليه: ص، م د.

۲۰. إسماعيل: اسمعيل، أ ف م.

۲۱. و عيص: و عيسو، مطلق؛ و عيسى، مطص.

۲۲. إليه: إضافة في هامش ف.

۲۰. و عيص: و عيسو، مطلق؛ و عيسى، مطص.

و آله<sup>١</sup>، إنه<sup>٢</sup> هو الذي دانت له الملوك من آل إبراهيم<sup>٣</sup> و غيرهم و خشعت له<sup>٤</sup> رقابهم و خضعت له الأمم و صارت الإمامة و الملك في أهله، و صارت أيديهم فوق أيدي الجميع و أيدي الجميع مبسوطة<sup>٥</sup> إليهم كما وعدت هاجر، فوضح<sup>٦</sup> أنه بشارته برسول الله صلى الله عليه و آله<sup>٧</sup>.

[٤] و في فصل من كتاب شعيا<sup>٨</sup> النبي صلى الله عليه و على آله<sup>٩</sup> «لتفرح أرض<sup>١٠</sup> البادية العطشى<sup>١١</sup> و لتبتهج البرارى و الفلوات و لتخرج نور<sup>١٢</sup> كنور الشسلبذ<sup>١٣</sup> و لتزه، لأنها ستعطي بأحمد محاسن لبنان و كمال حسن الدساكر و الرياض». (بنگرید به: اشعيا، باب ٣٥، آيات ١-٢) و من المعلوم أن البادية لم يحصل لها ولفلواتها المحاسن إلا بالإسلام و المسلمین فبان أنه بشارته بالنبي صلى الله عليه و على آله<sup>١٤</sup>. إن<sup>١٥</sup> هذا الفصل فيه اسمه صريحاً صلى الله عليه و آله<sup>١٦</sup> و إن كان في أهل الكتاب من ينكر الاسم على عادتهم في التحريف. [٥] و عن حبقوق النبي صلى الله عليه و آله<sup>١٧</sup> «جاء الله من التمين و القدوس<sup>١٨</sup> من جبال<sup>١٩</sup> فاران، و المتلأت الأرض من تحميد<sup>٢٠</sup> أحمد و تقديسه، و ملك الأرض و رقاب<sup>٢١</sup> الأمم» (بنگرید به:

١. وآله: + وسلم، مطص؛ صلى الله عليه وآله: ص، م د.
٢. إنه: وانه، ف: اذ، م د.
٣. إبراهيم: ابرهيم، أ ف م د؛ + صلى الله عليه، أ مطلق مطص.
٤. له: لها (مع تصحيح)، ف.
٥. إليهم: اليه، م د.
٦. فوضح: + بها، م د.
٧. وآله: + وسلم، مطص؛ صلى الله عليه وآله: ص، م.
٨. شعيا: أشعيا، مطلق مطص.
٩. وعلى آله:، ف مطلق مطص؛ صلى الله عليه وعلى آله: ص، م د.
١٠. أرض: الأرض، أ ف م د.
١١. العطشى: العطش، ف.
١٢. نور: نورا، أ م د.
١٣. ولتخرج نور كنور الشسلبذ:، مطلق مطص.
١٤. وعلى آله: وآله، ف؛ وآله وسلم، مطص؛ صلى الله عليه وعلى آله: ص، م د.
١٥. إن: على ان، م د.
١٦. وإن: . . . وآله:، أ مطلق مطص؛ صلى الله عليه وآله: ص، م.
١٧. صلى الله عليه: ص، م، د.
١٨. والقدوس: والقديس، ف م د.
١٩. من جبال: و جبال، أ ف.
٢٠. تحميد: تمجيد، أ مطلق مطص.
٢١. ورقاب: وى عارض، ف.

حقوق، باب ۳، آیات ۳، ۴) و قد بیّننا أن جبال مكة تسمى في التوراة جبال فاران<sup>۱</sup>.  
[۶] و قال داوود<sup>۲</sup> في زموره في صفة النبي صلى الله عليه وآله: «إنه يجوز من البحر إلى البحر<sup>۵</sup> و من لدن الأنهار إلى منقطع الأرض<sup>۶</sup> و أنه تخر<sup>۷</sup> أهل الجزائر بين<sup>۸</sup> يديه على ركبهم و يلحس أداؤه التراب<sup>۹</sup>، تأتبه الملوك بالقرابين<sup>۱۰</sup> و تسجد<sup>۱۱</sup> له و تدين له الأمم بالطاعة و الانقياد، لأنه يخلص المضطهد البائس<sup>۱۲</sup> ممن هو أقوى منه و ينقذ الضعيف الذي لا ناصر له و يراف<sup>۱۳</sup> بالضعفاء و المساكين و أنه يعطي من ذهب<sup>۱۴</sup> بلاد سبأ و يصلّي عليه في كل<sup>۱۵</sup> وقت و يبارك عليه في كل يوم و يدوم ذكره إلى الأبد، و إن<sup>۱۶</sup> اسمه لموجود<sup>۱۷</sup> قبل الشمس و الأمم<sup>۱۸</sup> كلها يتبركون<sup>۱۹</sup> به و كلهم<sup>۲۰</sup> يحمدونه<sup>۲۱</sup>». (بنگرید به: مزامیر داود، باب ۷۲، آیات ۸-۱۳، ۱۵، ۱۷)

و قد<sup>۲۲</sup> قيل: معناه يسمونه محمداً.

[۷] و من زمور آخر لداوود<sup>۲۳</sup> صلى الله عليه وآله و على آله<sup>۲۴</sup>: «تقلد<sup>۲۵</sup> السيف فإن

۱. جبال: م، د.
۲. في التوراة جبال فاران: جبال فاران في التورات، ف.
۳. داوود: داوود، مطص؛ + صلى الله عليه، أ (إضافه فوق السطر)، مطق مطص؛ + ع، م، د.
۴. وآله:، أ مطق؛ + وسلم، مطص؛ صلى الله عليه وآله: ص، م، د.
۵. إلى البحر: إلى اليمن، أ ف:، مطق.
۶. الأرض: الأنهار، مطق مطص.
۷. تخر: تجتو، مطق مطص.
۸. بين: من، م، د.
۹. التراب: بالتراب، م، د.
۱۰. بالقرابين: بالقرابين، ف، مع تصحيح فوق السطر: كالفراش.
۱۱. و تسجد: و تسجد، مكرر مشطوب، أ؛ تسجد، مطق مطص.
۱۲. البائس: الناس، ف.
۱۳. و يراف: و يراف، أ ف؛ و يراف، م مطق مطص؛ و يراف، د.
۱۴. ذهب: + من، ف.
۱۵. كل:، أ.
۱۶. و إن: فان، ف.
۱۷. لموجود: الموجود، ف.
۱۸. و الأمم: فالأمم، م، د.
۱۹. يتبركون: و يتبركون، ف.
۲۰. و كلهم: كلهم، ف.
۲۱. يحمدونه: و يحمدونه، ف.
۲۲. و قد:، م، د.
۲۳. لداوود: لداوود، أ ف م، د.
۲۴. و على آله:، ف مطص.
۲۵. تقلد: ي قلبي، د، ف.

ناموسک<sup>١</sup> و شریعتک مقرونة بهیبة یمینک<sup>٢</sup> و سهامک<sup>٣</sup> مسنونة الأمم یحزون تحتک». (بنگرید به: مزامیر داود، باب ٤٥، آیات ٣-٥)  
 و لیس فی الأنبیاء بعد داوود<sup>٤</sup> صلی الله علیه<sup>٥</sup> من تقلد<sup>٦</sup> السیف و خرت<sup>٧</sup> الأمم تحتہ و من قرنت شریعتہ بالہیبة غیر نبینا صلی الله علیه<sup>٨</sup>.  
 [٨] و ایضاً فی الزبور: « إن الله<sup>٩</sup> اصطفی أمتہ و أعطاه النصر، و سدّد الصالحین منهم باكرامة، و یسبحونه<sup>١٠</sup> علی مضاجعهم و یكبرون الله<sup>١١</sup> بأصوات مرتفعة، بأیدیهم سیوف ذوات شفرتین لینتقموا<sup>١٢</sup> الله عزوجل<sup>١٣</sup> من الأمم الذین لا یعبدونه، یوثقون ملوکهم بالقبود و أشرفهم بالأغلال<sup>١٤</sup>». (بنگرید به: مزامیر داود، باب ١٤٩، آیات ٤-٨)  
 و من الظاهر<sup>١٥</sup> أن هذه صفة أمة نبینا صلی الله علیه و علی آله<sup>١٦</sup>، لأنه لیس فی غیرهم من الأمم من یكبر<sup>١٧</sup> الله بأصوات مرتفعة و معهم سیوف ذوات شفرتین یقاتلون بها من لا یعبد الله.  
 و عن شعیا<sup>١٨</sup> النبی صلی الله علیه<sup>١٩</sup> و قیل إنه<sup>٢٠</sup> فی الفصل الخامس<sup>٢١</sup>: « لنا ابن<sup>٢٢</sup> سلطانه علی<sup>٢٣</sup> کتفه و سلطانه هو حجته ». و قیل: إن هذا النقل السریانی، و أما النقل

١. ناموسک: قاموسک، أ؛ موشک، ف.
٢. یمینک: -، أ ف مطق مطص.
٣. و سهامک: وشها، ف، مع إضافة فی الهامش: مک.
٤. داوود: داود، أ ف م د.
٥. صلی الله علیه: ع، م د.
٦. تقلد: ی قلی د، ف.
٧. و خرت: و حارب، مطق مطص.
٨. علیه: + وآله، ف؛ + وآله وسلم، مطص؛ صلی الله علیه: ص، م د.
٩. الله: -، أ.
١٠. و یسبحونه: یسبحونه، م د.
١١. الله: + تعالی، م د.
١٢. لینتقموا: لینتقم، أ ف م د مطق مطص.
١٣. عز وجل: -، م د.
١٤. بالأغلال: بالاعلام، ف.
١٥. الظاهر: الظا، ف، مع إضافة فی الهامش: هر.
١٦. و علی آله: و آله، ف؛ و آله وسلم، مطص؛ صلی الله علیه و علی آله: -، م؛ ص، د.
١٧. یكبر: یكبرون، م د.
١٨. شعیا: أشعیاء، مطق مطص.
١٩. علیه: + [و آله وسلم]، مطص؛ صلی الله علیه: ص، م د.
٢٠. أنه: + فی هذا فی النقل السریانی و اما (مشطوب)، أ.
٢١. الخامس: التاسع، مطق مطص.
٢٢. ابن: بن، أ.
٢٣. علی: -، أ ف مطق مطص.

العبرانی فقيل: إن فيه<sup>١</sup> «على كتفه علامة النبوة»، و هذان التفسيران متقاربان. و من المعلوم المستفيض أن نبينا صلى الله عليه و آله<sup>٢</sup> كان على كتفه خاتم النبوة و لم ينقل أن<sup>٣</sup> ذلك كان لأحد من الأنبياء صلوات الله عليهم<sup>٤</sup> سواه.

[١٠] و في<sup>٥</sup> التوراة<sup>٦</sup>، قيل إنه في السفر الخامس: «قال الله عز وجل<sup>٧</sup>: إني أقيم لبنى إسرائيل نبياً من إخوانهم<sup>٨</sup>، أجعل كلامي على فمه». (بنگرید به: سفر تثنيه، باب ١٨، آیه ١٨) و هذا يجب أن يكون المراد به نبينا صلى الله عليه و آله<sup>٩</sup>، لأن إخوة بنى إسرائيل يجب أن تكون<sup>١٠</sup> غيرهم، فيجب<sup>١١</sup> أن يكونوا<sup>١٢</sup> أولاد إسماعيل<sup>١٣</sup> صلى الله عليه<sup>١٤</sup>، أو أولاد<sup>١٥</sup> عيص<sup>١٦</sup> أو أولاد<sup>١٧</sup> إسحاق<sup>١٨</sup>. و لم يكن في أولاد عيص<sup>١٩</sup> بن إسحاق<sup>٢٠</sup> نبي غير أيوب صلى الله عليه<sup>٢١</sup> و كان هو قبل موسى صلى الله عليه<sup>٢٢</sup>، فلا يصح أن يكون هو المراد. فيجب أن يكون المراد<sup>٢٣</sup> نبينا صلى الله عليه و آله<sup>٢٤</sup> من ولد إسماعيل<sup>٢٥</sup>. يبين ذلك<sup>٢٦</sup> أن بنى

١. فيه: م د.

٢. وآله: وعلى آله، أ م ط ق؛ + وسلم، مطص؛ صلى الله عليه وآله: ص، م د.

٣. ينقل أن: ي نى قل، م.

٤. صلوات الله عليهم: د، م د.

٥. وفي: في، ف.

٦. التوراة: التوراة، مطص.

٧. عز وجل: تعالی، ف:، م د.

٨. إخوانهم: اخوانهم، ف.

٩. وآله: + وسلم، مطص؛ صلى الله عليه وآله: ص، م د.

١٠. تكون: يكون، م د.

١١. فيجب: ويجب، أ ف م م ط ق مطص.

١٢. يكونوا: يكون، ف.

١٣. إسماعيل: اسمعيل، أ ف م د.

١٤. صلى الله عليه:، ف م د.

١٥. أو أولاد: وأولاد، أ م ط ق مطص؛ اولاد، ف: + اسمعيل بن (مشطوب)، م.

١٦. عيص: عيسو، م ط ق؛ عيسى، مطص.

١٧. أو أولاد: بن، م د.

١٨. إسحاق: اسحق، أ ف م د م ط ق.

١٩. عيص: عيسو، م ط ق؛ عيسى، مطص.

٢٠. إسحاق: اسحق، أ ف م ط ق؛ بن اسحاق:، م د.

٢١. عليه: + وآله، ف: صلى الله عليه: ص، م د.

٢٢. صلى الله عليه: ص، م د.

٢٣. المراد: + هو، م د.

٢٤. وآله:، أ م ط ق؛ + وسلم، مطص؛ صلى الله عليه وآله: ص، م د. ٢٠٩. صلى الله عليه: ص، م د.

٢٥. إسماعيل: اسمعيل، أ ف م د.

٢٦. ذلك: ذالك، ف.

إسرائيل لم يُبعث فيهم نبيّ مثل موسى له شريعة ظاهرة غير المسيح، و لا يصحّ أن يقال: إن المراد به هو المسيح صلى الله عليه، لأن القائل به إما أن يكون يهودياً منكرّاً لنبوته أو نصرانياً لا يقول إنه كان مثل موسى صلى الله عليه، لأن النصراى يقولون إن المسيح ابن اله فلا يصحّ فلا يصحّ أن يكون مثل موسى صلى الله عليه. فلم يبق إلّا أن يكون المراد به نبينا صلى الله عليه و آله، على أن عيسى صلى الله عليه لم يكن مثل موسى صلى الله عليه، لأن شريعته مبنية على شريعة موسى<sup>١٢</sup> و لم تنسخ<sup>١٣</sup> من شريعة موسى إلّا اليسير<sup>١٤</sup> و شريعة<sup>١٥</sup> نبينا مثل شريعة موسى صلى الله عليه<sup>١٦</sup> فإنها لم تبين على شريعة غيره.

[١١] و عن شعيا<sup>١٧</sup> صلى الله عليه<sup>١٨</sup>: «قيل لى: قم نظاراً فانظر ما ترى تخبر به. قلت: أرى<sup>١٩</sup> راكبين مقبلين، أحدهما على حمار و الآخر على جمل، يقول أحدهما: هوت آلهة بابل و تكسرت عليه<sup>٢٠</sup> أصنامها المنجورة». (بنگرید به: اشعيا، باب ٢١، آيات ٧-٦، ٩)

فكان راكب الحمار عيسى صلى الله عليه<sup>٢١</sup> و راكب الجمل نبينا صلى الله عليه و آله<sup>٢٢</sup>، و آلهة بابل لم تزل تُعبد من لدن إبراهيم<sup>٢٣</sup> صلى الله عليه<sup>٢٤</sup> إلى أن بعث الله نبيه<sup>٢٥</sup> صلى الله

١. مثل: قيل، ف.
٢. غير: قبل، مطق مطص.
٣. إن:، ف.
٤. صلى الله عليه:، ف م د.
٥. صلى الله عليه: ص، م د.
٦. فلا: ولا، ف.
٧. صلى الله عليه:، ف م؛ إضافة فوق السطر، أ.
٨. به:، ف.
٩. وآله: + وسلم، مطص.
١٠. صلى الله عليه:، ف.
١١. صلى الله عليه:، ف.
١٢. موسى: + ع، م د.
١٣. تنسخ: ينسخ، م د.
١٤. ولم... اليسير:، مطق مطص.
١٥. موسى ولم تنسخ من شريعة موسى إلّا اليسير وشريعة:، أ.
١٦. صلى الله عليه: ص، م د.
١٧. شعيا: أشعيا، مطق مطص.
١٨. صلى الله عليه:، ف؛ ص، م د.
١٩. أرى: ارا، ف.
٢٠. عليه:، م د.
٢١. صلى الله عليه: ص، م د.
٢٢. وآله: + وسلم، مطص؛ صلى الله عليه وآله: ص، م د.
٢٣. إبراهيم: ابرهيم، أ ف م د.
٢٤. صلى الله عليه: ص، م د.
٢٥. نبيه: نبيه محمد، م د؛ نبينا، ف.



عليه<sup>۱</sup>، فعندها هَوَتْ و تكسَّرت، واشتهار<sup>۲</sup> ركوب<sup>۳</sup> النبي صلى الله عليه و على آله<sup>۴</sup> الجمل كاشتهار ركوب<sup>۵</sup> عيسى<sup>۶</sup> صلى الله عليه<sup>۷</sup> الحمار.

[۱۲] و فى التوراة<sup>۸</sup>: « إذا جاءت الأمة الآخرة، أتباع راكب البعير، يسبحون الله تسبيحاً جديداً فى الكنائس الجدد فليفرح بنو إسرائيل و يسيرون<sup>۹</sup> إلى صهيون و لتطمئن<sup>۱۰</sup> قلوبهم، لأنه<sup>۱۱</sup> اصطفى منهم فى الأيام الآخرة أمة جديدة يسبحون الله بأصوات عالية، بأيديهم سيوف ذات<sup>۱۲</sup> شفرتين فينتقمون<sup>۱۳</sup> له<sup>۱۴</sup> من الأمم الكافرة فى جميع الأقطار». (بنگرید به: مزامير ۱۴۹)

[۱۳] و عن شعيا<sup>۱۵</sup> النبي صلى الله عليه<sup>۱۶</sup>: «هكذا يقول الرب: إنك ستأتى من جهة<sup>۱۷</sup> التيمن من بلد بعيد<sup>۱۸</sup> و من أرض البادية مسرعاً قدامك الزابع و الزعازع<sup>۱۹</sup> و الرياح<sup>۲۰</sup>». (بنگرید به: اشعيا، باب ۲۱، آیه ۱)

والتيمن هو ناحية الجنوب.

[۱۴] و عنه من<sup>۲۱</sup> فصل<sup>۲۲</sup> ذكر<sup>۲۳</sup> هاجر و قال مخاطباً لها ولبلاذ ولدها<sup>۲۴</sup>، مكة: «قومى و

۱. عليه: + وآله، ف؛ وآله وسلم، مطص؛ صلى الله عليه: ص، م د.

۲. واشتهار: فاشتهار، ف.

۳. النبي: عيسى (مع تصحيح فوق السطر)، أ.

۴. وعلى آله: وآله وسلم، مطص؛ وآله، ف؛ صلى الله عليه وعلى آله: ص، م د.

۵. ركوب: -، ف.

۶. عيسى: المسيح، م د.

۷. صلى الله عليه: ص، م د.

۸. التوراة: التوراة، مطص.

۹. ويسيرون: ويسيروا، أ م د.

۱۰. و لتطمئن: فلتطمئن، ف.

۱۱. لأنه: لأن الله، م د.

۱۲. ذات: ذوات، ف.

۱۳. فينتقمون: وينتقمون، م د.

۱۴. له: لله، م د.

۱۵. شعيا: أشعيا، مطق مطص.

۱۶. صلى الله عليه: ص، م د.

۱۷. جهة: -، ف.

۱۸. بعيد: بعيد، ف.

۱۹. و الزعازع: و الرارع، ف؛ و الرارع، مطق مطص.

۲۰. و الرياح: من الرياح، م د.

۲۱. من: فى، م د.

۲۲. الفصل: + (حاشية) هو الفصل الثانى والعشرين منه، م د.

۲۳. ذكر: + فيه، م د.

۲۴. ولبلاذ ولدها: ولبلاذها ولدها، أ (مع تصحيح) مطق مطص.

أنیری<sup>١</sup> مصباحك<sup>٢</sup>، فقد دنا وقتك و كرامة الله<sup>٣</sup> طالعة عليك فقد تخللت<sup>٤</sup> الأرض الظلام و غطى<sup>٥</sup> على الأمم الضباب فالرب يشرق عيک إشراقاً و يظهر كرامته عليك و تسير الأمم إلى نورك و الملوک<sup>٦</sup> إلى ضوء طلوعك، ارفعی<sup>٧</sup> بصرك إلى ما حولك و تأملی، فإنهم سيجتمعون كلهم إليك و يحجونك و يأتيك ولدك من بلد بعيد، و سترين ذلك فتبتهجين و تفرحين و يستروح قلبك من أجل أنه يميل إليك ذخائر البحر<sup>٨</sup> و تحج إليك عساكر الأمم حته تعمرك الإبل المأبلة<sup>٩</sup> و تضيق أرضك عن القطرات التبی تجمع إليك و يساق<sup>٩</sup> إليك<sup>١٠</sup> كباش مدين و تسير إليك أغنام قیدار و تخدمك رحلات<sup>١١</sup> نبايوت<sup>١٢</sup>». (بنگريد به: اشعيا، باب ٦٠، آیات ٧-١)

و قیدرا هو ابن إسماعيل<sup>١٣</sup> صلى الله عليه<sup>١٤</sup> و هو جدّ النبي صلى الله عليه<sup>١٥</sup> و نبايوت<sup>١٦</sup> هو أخو قیدار و أولاده شديد القلب<sup>١٧</sup>.

[١٥] و من<sup>١٨</sup> كتاب شعيا<sup>١٩</sup>: «ستملي<sup>٢٠</sup> البادية و المدن و قصور<sup>٢١</sup> آل قیدار يسبحون و من رؤوس<sup>٢٢</sup> الجبال ينادون هم الذين يجعلون لله الكرامة و ينهون<sup>٢٣</sup> تسبيحه في البر و

١. وأنیری: واری دی، أ: فانیری، ف: وازهری، م د.

٢. مصباحك: مصباحا، ف.

٣. الله: + تعالی، م د.

٤. تخللت: تخلل، مطلق مطص.

٥. وغطى: وغطا، أ.

٦. و الملوک: فالملوک، ف.

٧. ارفعی: ارفع، ف.

٨. المأبلة: المویلة، م د.

٩. و يساق: و تساق، م د.

١٠. إليك: -، ف.

١١. رحلات: رجالات، أ ف م د.

١٢. نبايوت: یی اوت، أ ف: یی اوٹ، م د.

١٣. إسماعيل: اسمعيل، ف م د.

١٤. صلى الله عليه: ص، م د.

١٥. عليه: + وآله وسلم، مطص؛ صلى الله عليه: ص، م د.

١٦. و نبايوت: و نبايوت، أ ف: و نبايوت، م د.

١٧. شديد القلب: شدي ه الى ت، ف: سدته البيت، م د.

١٨. و من: و فی، م د.

١٩. شعيا: أشعيا، مطلق مطص.

٢٠. ستملي: سيمای، ف: سكان، مطلق مطص.

٢١. و قصور: من قصور، م د.

٢٢. رؤوس: رؤس، أ ف م د.

٢٣. و ينهون: و يبيون، م د.

البحر» (بنگرید به: اشعیا، باب ۴۲، آیات ۱۱-۱۳)، «ارفع<sup>۱</sup> علماً لجميع الأمم من بعيد<sup>۲</sup> فیصفر<sup>۳</sup> بهم<sup>۴</sup> من أقاصی الأرض فإذا هم<sup>۵</sup> سراع یأتون». (بنگرید بهک اشعیا، باب ۵، آیات ۲۶-۳۰)

و قیدار ابن<sup>۶</sup> إسماعیل<sup>۷</sup> هو جدّ النبی صلی الله علیه و علی آله<sup>۸</sup> و نداؤهم<sup>۹</sup> بالتلبیة من رؤوس<sup>۱۰</sup> الجبال و تسیبهم<sup>۱۱</sup> لله جلّ و عزّ<sup>۱۱</sup> هو الذی ظهر من<sup>۱۲</sup> المسلمین و التّبی صلی الله علیه<sup>۱۳</sup> هو الذی<sup>۱۴</sup> صفر<sup>۱۵</sup> بالأمم<sup>۱۶</sup> أی نادى<sup>۱۷</sup> فأتوه مسرعین.

[۱۶] و فی الإنجیل قال المسیح صلی الله علیه<sup>۱۸</sup> للحواریین: «أنا ذاهب<sup>۱۹</sup> و سیأتیکم الفارقلیط<sup>۲۰</sup>، روح الحقّ، الذی لا یتکلم من قبل نفسه، إنما هو كما یقال له، و هو یشهد علیّ<sup>۲۱</sup> به». (بنگرید به: یوحنا، باب ۱۵، آیات ۲۶-۲۷ و یوحنا، باب ۱۶، آیات ۷ و ۱۳)

[۱۷] و فی حکایة یوحنا<sup>۲۲</sup> عن المسیح صلی الله علیه<sup>۲۳</sup>: «الفارقلیط<sup>۲۴</sup> لا یجئکم ما لم

۱. ارفع: ارتفع، أ ف؛ یرفع، مطق مطص.

۲. من بعيد:، أ ف مطق مطص.

۳. فیصفر: فیصعق، ف.

۴. بهم: لهم، مطق مطص.

۵. هم:، م د.

۶. ابن: بن، أ ف م مطق مطص.

۷. إسماعیل: اسمعیل، ف م د.

۸. و علی آله: و آله وسلم، مطص؛ و آله، ف؛ صلی الله علیه و علی آله: ص، م د.

۹. و نداؤهم: و نداهم، م د.

۱۰. رؤوس: روس، أ ف م د.

۱۱. جلّ و عزّ: عز و جل، ف مطص؛ تعالی، م د.

۱۲. من: إضافة من تحت السطر، م.

۱۳. صلی الله علیه:، ف؛ + و آله وسلم، مطص.

۱۴. الذی:، أ ف مطق مطص.

۱۵. صفر: صعق، ف.

۱۶. بالأمم: بالاسم، أ ف؛ لمواسم، مطق مطص.

۱۷. نادى: ناداه، ف.

۱۸. صلی الله علیه:، ف م د.

۱۹. ذاهب: اذهب، ف م د.

۲۰. الفارقلیط: العارقلیط، ف؛ الفیرقلیط، مطق مطص.

۲۱. به:، م د.

۲۲. یوحنا: یوحنا، أ.

۲۳. صلی الله علیه: ص، م د.

۲۴. الفارقلیط: الفیرقلیط، مطق مطص.

أذهب فإذا جاء و بنخ<sup>١</sup> العالم على<sup>٢</sup> الخطيئة و لا يقول من تقلاء نفسه شيئاً ولكنه<sup>٣</sup> مما يسمع به يكلمكم ويسوسكم بالحق و يخبركم بالحوادث<sup>٤</sup> و الغيوب». ( بنگرید به: يوحنا، باب ١٦، آيات ٨٧-١٣ )

[١٨] و فصول كثيرة في التوراة و الزبور و الإنجيل، و عن شعيا<sup>٥</sup> و غيره من الأنبياء صلوات الله عليهم أجمعين<sup>٦</sup> غير ما ذكرنا<sup>٧</sup> لكننا اقتصرنا على هذا القدر، لأن فيه كفاية. و هذه الفصول يقرّ بها حفاظ أهل الكتاب و ليسوا<sup>٨</sup> ينكرون منها إلّا اسم نبيّنا صلوات الله عليه<sup>٩</sup> و يتأولون الفصول<sup>١٠</sup> تأويلات ظاهرة الفساد<sup>١١</sup>.

و من المعلوم أن النبيّ صلى الله عليه و على آله<sup>١٢</sup> تلا عليهم<sup>١٣</sup>: ﴿الذين يتبعون الرسول<sup>١٤</sup> النبيّ الأمي الذي يجدونه مكتوباً عندهم في التوراة و الإنجيل﴾ [سورة الأعراف (٧): ١٥٧]، و تلا<sup>١٥</sup> حكاية عن المسيح صلى الله عليه<sup>١٦</sup> ﴿إني رسول الله<sup>١٧</sup> إليكم مصداقاً لما بين يدي من التوراة و مبشراً برسول يأتي<sup>١٨</sup> من بعدى اسمه أحمد﴾ [سورة الصف (٦١): ٦] و ﴿يا<sup>١٩</sup> أهل الكتاب لم تكفرون بآيات الله و أنتم تشهدون يا أهل<sup>٢٠</sup> الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تكتُمون الحق و أنتم تعلمون<sup>٢١</sup>﴾ [سورة آل عمران (٣): ٧١-٧٠]، و تلا ﴿الذين آتيناهم الكتاب

١. وبنخ: الح، م د.

٢. على: -، أ ف.

٣. ولكنه: ولاكنه، أ؛ ولكن، مطق مطص.

٤. و يخبركم بالحوادث: إضافة في هامش ف.

٥. شعيا: أشعيا، مطق مطص.

٦. صلوات الله عليهم أجمعين: ص، م د.

٧. ذكرنا: ذكرناه، م د.

٨. و ليسوا: وليس، م د.

٩. صلوات الله عليه: صلى الله عليه وآله، ف؛ ص، م د.

١٠. الفصول: النبءات، مطق مطص.

١١. تأويلات ظاهرة الفساد: تاويلا ظاهر الفساد، ف.

١٢. و على آله: وآله، ف؛ وآله وسام، مطص؛ صلى الله عليه وعلى آله: ص، م د.

١٣. عليهم: + ان، ف م د.

١٤. الرسول: -، ف.

١٥. و تلا: و تلى، ف.

١٦. صلى الله عليه: ص، م د.

١٧. الله: + صلى (مشطوب)، أ؛ + صلى الله (مشطوب)، ف.

١٨. يأتي: إضافة فوق السطر، ف.

١٩. ويا: و تلا يا، مطق.

٢٠. يا أهل: يا أهل، أ ف.

٢١. يا أهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تكتُمون الحق و أنتم تعلمون: -، مطص.

يعرفونه كما يعرفون<sup>۱</sup> أبناءهم ﴿[سورة البقرة (۲): ۱۴۶]. فلو لم تكن هذه الآيات من عند الله عزوجل<sup>۲</sup> و لم يكن اسمه مكتوباً في كتبهم و لم يكن<sup>۳</sup> أحبارهم عالمين بذلك لم يكن صلى الله عليه و على آله<sup>۴</sup> يورد عليهم ذلك، لأنه لا يزيدهم إلا نفاراً عنه و تحقفاً<sup>۵</sup> بتقوله حاشاه من ذلك. فإن قيل<sup>۶</sup>: هذا الذي حكيتم من<sup>۷</sup> كتب الأنبياء صلوات الله عليهم<sup>۸</sup> صحيح و هذه الصفات موجودة في تلك الكتب، إلا أن الموصوف بها<sup>۹</sup> بعد لم يجرى بتة<sup>۱۰</sup>. قيل له<sup>۱۱</sup>: رأيتم<sup>۱۲</sup> إن جاء من تدعونه ثم أنكروه منكر، ما يكون برهانكم عليه<sup>۱۳</sup>؟

فإن قيل<sup>۱۴</sup>: إذا جاء<sup>۱۵</sup> أتى بالمعجزات<sup>۱۶</sup> فمهما قالوا<sup>۱۷</sup> في ذلك<sup>۱۸</sup> فهو جوابنا. ثم يقال لهم: إذا أتى من توجد<sup>۱۹</sup> فيه الأوصاف المذكورة فيجب أن نعلم<sup>۲۰</sup> أنه هو الذي بشر<sup>۲۱</sup> به<sup>۲۲</sup> الأنبياء صلوات<sup>۲۳</sup> الله عليهم<sup>۲۴</sup>، لأنه لا يجوز أن<sup>۲۵</sup> يعرفنا نبي من الأنبياء<sup>۲۶</sup> أنه يأتيكم رجل

۱. يعرفون: يعرفونه، م د.

۲. عز وجل: تعالى، م د.

۳. يكن: + احيا (مشطوب)، أ.

۴. وعلى آله: والده، ف؛ وعلى آله وسلم، مطص؛ صلى الله عليه وعلى آله: ص، م د.

۵. تخففاً: تحقفاً، ف، مع تصحيح في الهامش.

۶. قيل: قال، ف.

۷. من: عن، م د.

۸. صلوات الله عليهم: ص، م د.

۹. بها: إضافة فوق السطر، ف.

۱۰. بتة: إضافة فوق السطر، أ، ف؛ بعد لم يجرى بتة: لم يجرى بعد بتة، مطق مطص؛ بعد لم يجرى، م د.

۱۱. له: لهم، م د.

۱۲. رأيتم: لقد رأيتم، ف.

۱۳. عليه: عليكم، م د.

۱۴. قيل: + فانه، م د.

۱۵. جاء:، ف.

۱۶. بالمعجزات: بالمعجزة، ف؛ + قيل له وقد اتى نبينا من بالايات المعجزة، م د.

۱۷. قالوا: وقالوا، م د.

۱۸. ذلك: ذالك، ف.

۱۹. توجد: يوجد، م د.

۲۰. نعلم: يعلم، ف م د.

۲۱. بشر: بشرت، مطق مطص.

۲۲. بشر به: شرت به، مطق.

۲۳. صلوات: صلى، ف.

۲۴. صلوات الله عليهم: ص، م د.

۲۵. أن: إضافة فوق السطر، أ.

۲۶. الأنبياء: + ص، م د.

حاله كذا<sup>١</sup> و صفته كذا<sup>٢</sup>، فإذا أتاكم<sup>٣</sup> فافعلوا<sup>٤</sup> به كذا<sup>٥</sup> من تصديق أو تكذيب أو حكم من الأحكام<sup>٦</sup>، ثم يأتينا رجل بتلك الصفة و لا<sup>٧</sup> يكون هو<sup>٨</sup> مراداً بذلك الخبر، بل يكون المراد غيره و المقصود سواه، لأنه لو كان ذلك<sup>٩</sup> كذلك كان<sup>١٠</sup> ضرباً من التلبيس<sup>١١</sup> و يجب<sup>١٢</sup> أن يمنع الله عزوجل<sup>١٣</sup> منه. و في هذا<sup>١٤</sup> إبطال هذا السؤال<sup>١٥</sup>.

فإن قيل<sup>١٦</sup>: بينوا أن تلك<sup>١٧</sup> الأوصاف حاصلة لنبينا صلى الله عليه و على آله<sup>١٨</sup>، قيل له: ما وجد<sup>١٩</sup> في التوراة «جاء الله من سيناء و أشرق من ساعير و استعلن من جبال<sup>٢٠</sup> فاران» لا التباس في أن المراد بقوله «و استعلن من جبال<sup>٢١</sup> فاران<sup>٢٢</sup>»، هو ابتعائه<sup>٢٣</sup> رسول الله صلى الله عليه و آله<sup>٢٤</sup>، لأن جبال فاران لا إشكال في أنها جبال مكة، ولم تظهر<sup>٢٥</sup> عبادة الله عزوجل<sup>٢٦</sup> و تسبيحه تهليله و خلع الأصنام و الأنداد بمكة ظهوراً انتشر في

- 
١. كذا: كذى، ف.
  ٢. كذا: كذى، ف.
  ٣. فإذا أتاكم:، ف.
  ٤. فافعلوا: فافعلوه، ف.
  ٥. كذا: كذى، ف.
  ٦. حكم من الأحكام:، مطق / مطص؛ اولكم من الامام، ف.
  ٧. ولا: لا، ف.
  ٨. هو:، ف.
  ٩. ذلك: ذالك، ف:، م د.
  ١٠. كان: لكان، ف.
  ١١. التلبيس: الابدليس، ف.
  ١٢. ويجب: ومثله يجب، م د.
  ١٣. عز وجل: إضافة فوق السطر، أ؛ تعالى، م د.
  ١٤. وفي هذا: وهذا، م د.
  ١٥. السؤال:، ف.
  ١٦. قيل: قال، ف.
  ١٧. تلك: ذالك، ف.
  ١٨. وعلى آله: وآله وسلم، مطص؛ صلى الله عليه وعلى آله: ص، م د.
  ١٩. وجد: وجدنا، ف؛ جاء، مطق مطص.
  ٢٠. جبال: جبل، مطق مطص.
  ٢١. جبال: جبل، مطق مطص.
  ٢٢. لا التباس في أن المراد بقوله و استعلن من جبال فاران:، ف.
  ٢٣. هو ابتعائه: وهو ابتعاث، ف؛ هو ابتعاث، م د.
  ٢٤. وعلى آله: واله، ف؛ وآله وسلم، مطص؛ صلى الله عليه وعلى آله: ص، م د.
  ٢٥. تظهر: يظهر، م د.
  ٢٦. عز وجل: تعالى، م د.

الآفاق<sup>۱</sup> و تحمله<sup>۲</sup> الركبان<sup>۳</sup> إلّا برسول<sup>۴</sup> الله صلى الله عليه<sup>۵</sup> كما أن ظهور ذلك بطور<sup>۶</sup> سيناء لم يكن إلّا بموسى صلى عليه و على آله و سلم<sup>۷</sup> و ظهوره بساعير<sup>۸</sup> لم يكن إلّا بعيسى صلى الله عليه<sup>۹</sup>، و في ذلك<sup>۱۰</sup> ثبوت أن هذه البشارة كانت بشارة بالنبي صلى الله عليه<sup>۱۱</sup>، لأنه لو جاز أن يقال ذلك<sup>۱۲</sup> في موسى و عيسى صلى الله عليهما<sup>۱۳</sup> لجاز في محمد صلى الله عليه<sup>۱۴</sup>.

۶- و أنت إذا تأملت الأوصاف التي ذكرنا<sup>۱۵</sup> و بيناها<sup>۱۶</sup> وجدت جميعها في رسول الله صلى الله عليه<sup>۱۷</sup> و صفاء<sup>۱۸</sup>، فيتبين لك أنه<sup>۱۹</sup> الموصوف بها<sup>۲۰</sup>. فإذا<sup>۲۱</sup> ثبت ذلك<sup>۲۲</sup> ثبت أنه المشير<sup>۲۳</sup> بها، لأن خلاف ذلك<sup>۲۴</sup> لا يجوز في حكمة الله<sup>۲۵</sup> الحكيم<sup>۲۶</sup> عز وجل<sup>۲۷</sup>.

۱. الآفاق: الاوقات، ف مع تصحيح.

۲. وتحمله: مكرر مشطوب، ف.

۳. برسول: رسول، م د.

۴. عليه: + اله، ف؛ وآله وسلم، مطص؛ صلى الله عليه: ص.

۵. بطور: بظهور، أ؛ بظهور، مطلق مطص.

۶. وعلى آله وسلم: -، ف مطص؛ صلى الله عليه وعلى آله وسلم: ص، م د.

۷. وظهوره بساعير: وظهور ساعير، ف؛ بساعر: ساعر، مطلق.

۸. صلى الله عليه: ص، م د.

۹. ذلك: ذالك، ف.

۱۰. عليه: + اله، ف مطص؛ صلى الله عليه: ص، م د.

۱۱. ذلك: ذالك، ف.

۱۲. ذلك في موسى وعيسى صلى الله عليهما: ان المبشر بهذا بعد لم يظهر جاز ان يقال ذلك في موسى وعيسى ص، م د.

۱۳. لجاز في محمد صلى الله عليه: -، أ ف؛ + وسلم، مطص.

۱۴. ذكرنا: ذكرناها، م د مطلق.

۱۵. وبينها: وبيننا (مع تصحيح فوق السطر)، أ.

۱۶. عليه: + اله، ف؛ + وآله وسلم، مطص؛ صلى الله عليه: ص، م د.

۱۷. و صفاء: -، ف.

۱۸. أنه: ان، ف.

۱۹. الموصوف بها: مكرر في ف.

۲۰. فإذا: واذا، م د.

۲۱. ذلك: ذالك، ف.

۲۲. ثبت: -، ف.

۲۳. المشير: المشتهر، ف.

۲۴. ذلك: ذالك، ف؛ + مما، مطلق.

۲۵. الله: إضافة فوق السطر، أ.

۲۶. الحكيم: -، ف.

۲۷. عز وجل: تعالى، م د.

## IV.

ابوعبدالله حسین بن اسماعیل بن زید حسینی شجری جرجانی (الموفق بالله، متوفی پس از ۱۰۲۹/۴۲۰) شاگرد پیشین قاضی القضاة عبدالجبار همدانی و یکی از اصحاب امام المؤید بالله که کتابی به نام *الاحاطة* تألیف کرده که اثر مفصل کلامی است بر اساس سنت مکتب معتزلی بهشمیه.<sup>۱</sup> الموفق در بحث از نبوت که مشتمل بر بحثی درباره یهودیت نیز هست (باب الکلام علی الیهود) و در آنجا به بحث و رد انتقادات یهودیان از درستی نبوت پیامبر پرداخته است. فصل مذکور با بخشی اختصاص یافته به پیش‌گویی‌های عهدینی از نبوت پیامبر اختصاص یافته است (فصل فیما وجد فی الکتب السالفه من البشارة بالنبی محمد صلی الله علیه و علی آله). در این بخش، الموفق برخی از همان شواهد عهدینی که در کتاب *اثبات النبوة النبی المؤید* آمده را ذکر کرده بی هیچ تفاوتی همان ترجمه‌ها است. الموفق بی تردید با کتاب *اثبات المؤید* آشنایی داشته و کتاب اخیر او به وضوح منبع اصلی او بوده است. با این حال تذکرات الموفق بر برخی عبارات‌های عهدینی تماماً مستقل از المؤید است و در نتیجه تفصیلی تر هم است. همچنین او مطالب عهدینی را با ترتیبی مجدد آورده است (بنگرید به ادامه، جدول یک) و او بحث خود را با عبارتی شبه عهدینی خاتمه داده است (بخش ۱۸) که عبارت مشابهی برای آن در کتاب *اثبات النبوة* هارونی نیست.

تصحیح حاضر بر اساس نسخه خطی لایدن (نسخه‌های شرقی شماره ۸۴۰۹) [= (Ar 1942b)، برگ‌های ۳۲ب، سطر ۱۴-۳۶ الف، سطر ۳ تنها نسخه منحصر به فرد از متن که به نظر می‌رسید مشتمل بر مجلد دوم کتاب است. نسخه به جهت کتابخانه (خزانه) امام المنصور بالله عبدالله بن حمزه (حکومت ۵۸۳ - ۶۱۴/۱۱۸۷-۱۱۸۸) - ۱۲۱۷) انجام شده است<sup>۲</sup> و تاریخ فراغ از کتابت آن شعبان ۶۰۵ / فوریه - مارس ۱۲۰۹ است و نسخه را محیی‌الدین محمد بن احمد بن ولید مقابله و تصحیح کرده است.<sup>۳</sup> به

۱. برای الموفق بالله و تألیفاتش بنگرید به مقدمه مصحح کتاب *الاعتبار و سلوة العارفين* الموفق بالله، تصحیح عبدالسلام عباس الوجیه (صنعا: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، ۲۰۲/۱۴۲۴)، ص ۷-۳۸ (با ارجاع به منابع دیگر)؛ cf. also Schwarb, *Handbook*, # 323.

۲. تنها بخشی از صفحه عنوان خوانا است که چنین است (ناقص):

[. . .] لخزانة مولانا ومالکنا الإمام الأجل المنصور بالله عز وجل / أمير المؤمنين عبدالله بن حمزة بن سليمان بن رسول الله / صلی الله علیه و علی آله جدد الله نصره وأعلى قدره.

۳. برای توضیحی از این نسخه بنگرید به:

Voorhoeve, *Handlist of Arabic manuscripts in the Library of the University of Leiden*, p. 124.



علاوه شرحی مشتمل بر من مجلد اول کتاب از مؤلفی ناشناخته با عنوان *تعلیق الاحاطة* در یک نسخه خطی (تاریخ ۱۸ ذو الحجه ۲/۶۰۷ ژوئن ۱۲۱۱؛ نسخه خطی مکتبه الاوقاف، الجامع الكبير، صنعاء، ۲۳۱۷) نیز موجود است<sup>۱</sup> که بخش مربوط حاضر در آن (برگهای ۲۵۱ ب، سطر ۸ - برگ ۲۵۴ ب، سطر ۱۵) (که با علامت اختصاری ت به آن اشاره شده است) است. از آنجا که تعلیق با متن اصلی کتاب *الاحاطة* تطابق دارد، تفاوت نسخه‌هایی آن با متن *الاحاطة* در پاورقی ذکر شده است.

اثبات نبوة النبي	الاحاطة
[1] Deut 33, 2	[1] Deut 33, 2
[2] Gen 21, 21	[2] Gen 21, 21
[3] Gen 16, 8-12	[3] Gen 16, 8-12
	[4] Isa 35, 1-2 (= <i>Ihāta</i> [6])
	[4] Ps 149 (= <i>Itb āt</i> [12])
	[5] Deut 18, 18 (= <i>Itb āt</i> [10])
[5] Hab 3, 3	[7] Hab 3, 3
[6] Ps 72, 8-13, 15, 17	[8] Ps 72, 8-13, 15, 17

→

درباره ابن ولید بنگرید به:

Hassan Ansari and Sabine Schmidtke, "Muḥtazilism after Ḥabd al-Jabbār: Abū Rashīd al-Nīsābūrī's *Kitāb Masā'il al-khilāf fī l-uṣūl* (Studies on the transmission of knowledge from Iran to Yemen in the 6th/12th and 7th/13th c. I)", *Studia Iranica*, 39 (2010), p. 227-78 and *passim*.

۱. برای توصیفی از این نسخه بنگرید به: احمد عبدالرزاق الرقیعی، عبدالله الحبشی و علی وهاب الآسی، فهرست مخطوطات مکتبه الجامع الكبير صنعاء، چهار جلد [صنعاء]، وزارت الاوقاف و الارشاد، ۱۹۸۴/۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۷۱. تصویری از این نسخه در مکتبه المخطوطات العربیة در کتابخانه اسکندریه موجود است. بنگرید به: [http://www.bibalex.org/bacatalog/catalog\\_ar.aspx?skin=default&lng=ar](http://www.bibalex.org/bacatalog/catalog_ar.aspx?skin=default&lng=ar) (consulted 27/06/2011).

از گرگور شوراب بر این این ارجاع سپاس دارم. تصویرهای میکروفیلم این نسخه همچنین در دار المخطوطات صنعاء و در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد (همچنین در دیگر کتابخانه های ایران) موجود است. بنگرید به: محمد وفادار مرادی، «فهرست القبانی میکروفیلمهای تهیه شده از کتابخانه جامع صنعاء»، *کتابداری و اطلاع رسانی*، ۳/۲ (۱۹۹۱/۱۳۷۸)، ص ۱۴۳؛ عبدالنواب احمد علی المشرفی و محمد صالح یحیی القاضی، *طاووس یمانی: فهرست میکروفیلمهای مجموعه دار المخطوطات صنعاء* (قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۲۱ / ۲۰۰۱)، ص ۴۱۳ (در این منبع، بی هیچ دلیل روشنی، این متویه به عنوان مؤلف احتمالی این شرح ذکر شده است). من از حسن انصاری برای اینکه تصویری از این نسخه را در دسترس قرار داد، سپاسگزار هستم.

[7] Ps 45, 3-6	[9] Ps 45, 3-6
[8] Ps 149	[10] Ps 149
[9] Isa 9, 6	[11] Isa 9, 6
[10] Deut 18, 18 (= <i>Ihāta</i> [5])	
[11] Isa 21, 6, 7, 8	[12] Isa 21, 6, 7, 8
[12] Ps 149 (= <i>Ihāta</i> [4])	
[13] Isa 21, 1f.	[13] Isa 21, 1f.
[14] Isa 60, 1-7	[14] Isa 60, 1-7
[15] Isa 42, 11-13; Isa 5, 26-30	[15] Isa 42, 11-13; Isa 5, 26-30
[16] John 14, 26-27	[16] John 14, 26-27
[17] John 16, 7-13	[17] John 16, 7-13
	[18] "Daniel"

فصل فیما وُجد فی الكتب السالفة من البشارة بالنبي محمد صلى الله عليه و على آله اعلم أن ذلك<sup>١</sup> فی الكتب والروایات كثير و نحن نشیر إلى جملة منه مما لا ینکره<sup>٢</sup> أهل المعرفة والحافظ منهم أنه كذلك<sup>٣</sup> وإنما یخالفوننا فی تأویله.

[١] فمن ذلك المشهور الظاهر فی التورات و کتب كثير من أصحاب التأریخ والروایة أنه<sup>٤</sup> فی السفر الأخير فی الفصل العشرين: «قد جاء الله من سینا و أشرق من ساعیر<sup>٥</sup> واستعلن<sup>٦</sup> من جبال فاران» [بنگرید به: سفر تثنیه، باب ٣٣، آیه ٢]. فأراد بقوله<sup>٧</sup> «جاء الله<sup>٨</sup> من سیناء» أى بعث الله تعالی<sup>٩</sup> موسى بن عمران - علیه السلام - من جبل طور سیناء و قیل أن مراد الله تعالی فی القرآن

١. ذلك: البشارة، ت.

٢. تنكره: ی نكر، ت.

٣. والحفاظ منهم أنه كذلك: -، ت.

٤. أنه: أن، الأصل.

٥. ساعیر: ساعیرف، ت.

٦. واستعلن: واستعلی، ت.

٧. فأراد بقوله: فأراد قوله، الأصل؛ اراد بقوله، ت.

٨. الله: الیه، ت.

٩. تعالی: -، ت.

بقوله ﴿وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ﴾ [سورة المؤمنون (۲۳): ۲۰] هو هذا الجبل و هو الذى يقال أنه تعالى ناجى موسى فيه و صار [۱۳۳] كليمه وسمى عند ذلك كليم الله تعالى<sup>۱</sup>. و أراد عزوجل بقوله<sup>۲</sup> «وأشرق من ساعير» عيسى بن مريم المسيح<sup>۳</sup> - عليه السلام - من ساعير و هى الناحية<sup>۴</sup> التى كان منها عيسى صلى الله عليه و لا يمتنع أن يكون قوله «وَأَشْرَقَ» بمعنى<sup>۵</sup> الإشراق و هما لآثاره أى آثار بعثة المسيح - عليه السلام - من ساعير الذى بعث هو عليه السلام إليهم. و أراد بقوله<sup>۶</sup> «واستعلن<sup>۷</sup> من جبال فاران» بعثة<sup>۸</sup> نبينا محمد<sup>۹</sup> صلى الله عليه وآله<sup>۱۰</sup> من جبال مكة لأنها تسمى فى التورات جبال فاران لا يدفعه أحد ممن يعرف التورات<sup>۱۱</sup>.

[۲] وفى التورات<sup>۱۲</sup> «أن إبراهيم صلى الله عليه<sup>۱۳</sup> أسكن هاجر و إسماعيل جبال فاران» (بنگرید به: سفر پیدایش، باب ۲۱، آیه ۲۱)، يعنى مكة و لم يبعث أحداً من الرسل عليهم السلام بعثة ظاهرة فشا أمره و شاع<sup>۱۴</sup> شرعه فى مشارق الأرض و مغاربها و أدانيها و أقاصيها على موجب قوله «واستعلن<sup>۱۵</sup> من جبال فاران» إلا نبينا عليه السلام<sup>۱۶</sup> لأن استعلن بمعنى «على» و «أظهر» و «جلى»<sup>۱۷</sup>، و ليس لأحد أن يقول أن<sup>۱۸</sup> قوله «استعلن<sup>۱۹</sup>» فعل

۱. و قبل أن مراد الله تعالى فى القرآن بقوله ... وسمى عند ذلك كليم الله تعالى، ت.

۲. عزوجل بقوله: بقوله عز وجل، ت.

۳. لمسيح:، ت.

۴. من ساعير و هى الناحية: و الساعير الناحية، ت.

۵. عيسى بن مريم المسيح - عليه السلام - من ساعير و هى الناحية التى كان منها عيسى صلى الله عليه و لا يمتنع أن يكون قوله و أشرق بمعنى: إضافة فى هامش الأصل.

۶. و لا يمتنع أن يكون قوله ... من ساعير الذى بعث هو - عليه السلام - إليهم و أراد بقوله:، ت.

۷. و استعلن: و استعلی، ت.

۸. و أراد بقوله «واستعلن من جبال فاران» بعثته: و استعلی من جبال فاران اراد به، ت.

۹. محمد:، ت.

۱۰. وآله:، ت.

۱۱. من جبال مكة لأنها تسمى فى التورات جبال فاران لا يدفعه أحد ممن يعرف التورات: لان جبال فاران انما هو

جبال مكة لان جبال مكة فى التورات يسما جبال فاران، ت.

۱۲. التورات: + أيضا، ت.

۱۳. صلى الله عليه: عليه السلام، ت.

۱۴. و شاع: + امره (مشطوب)، الأصل.

۱۵. و استعلن: و استعلی، ت.

۱۶. إلا نبينا عليه السلام: الانبيا صلى الله عليهم، ت.

۱۷. لأن استعلن بمعنى على و أظهر و جلى:، ت.

۱۸. أن:، ت.

۱۹. استعلن: استعلی، ت.

ماض یقتضی أنه تعالی قد أعلن<sup>١</sup>، لا أنه يستعلن<sup>٢</sup>، لأنه لا قبله نبی أعلى دینه و فشا [ت ٢٥٢ أ] شرعه من مكة إلا نبینا علیه السلام<sup>٣</sup>، و لأنه أراد بذلك الاستقبال وإن ذکر لفظ الماضي كما أراد بقوله «جاء الله من سینا و أشرق من ساعیر<sup>٤</sup>».

[٣] و فی التورات أيضاً «إن هاجر تراءى لها ملك و قال: یا هاجر أنى سأكثر ذریتك و زرعك حتى لا یحصوا كثرة وها أنت تحبلین و تلدين ابناً و تسمینه إسماعیل، لأن الله عزوجل قد سمع خشوعك و تكون یده فوق الجمیع و ید الجمیع مبسوطة إليه بالخضوع» (بنگرید به: سفر پیدایش، باب ١٦، آیات ٨-١٢). و قد علمنا أن المراد به ولد إسماعیل و هو رسول الله صلی الله علیه و علی آله<sup>٥</sup> لأن إسماعیل - علیه السلام - لم یکن فوق إسحاق و لا كانت ید إسحاق و لا ید<sup>٦</sup> ولديه یعقوب و عیص مبسوطة إليه بالخضوع، ولم یکن فی ولد إسماعیل من كانت أیدی أولاد إسرائيل و عیص و سائر الناس ممتدة إليه و مبسوطة غیر محمد صلی الله علیه و علی آله<sup>٧</sup> إذ هو الذى دانت رقاب الملوك من آل إبراهيم و غیرهم و خضعت الأمم له<sup>٨</sup> و انقادت و صارت الإمامة [٣٣ب] و الملك فی أهله و صارت أیدیهم فوق أیدی الجمیع و أیدی الجمیع مبسوطة إليهم كما وعدت هاجر فانكشفت أنه<sup>٩</sup> بشارة لجدنا محمد صلی الله علیه.

[٤] و فی التورات «إذ جاءت الأمة الآخرة اتباع راکب البعیر یسبحون الله تسبیحاً جدیداً فی الكنائس الجدد فلیفرح بنو إسرائيل و یسروا إلى صهیون فلتطمئن<sup>١٠</sup> قلوبهم لأن الله اصطفى منهم فی الأيام<sup>١١</sup> الآخرة أمة جدیدة یسبحون<sup>١٢</sup> الله بأصوات عالیة بأیدیهم سیوف ذات شفرتین فینتقمون لله من الأمم الكافرة فی جمیع الأقطار». (بنگرید به: مزامیر، ١٤٩)

[٥] و فی التورات و قیل أنه<sup>١٣</sup> فی السفر الخامس «قال الله: إني أقیم لبني إسرائيل نبیاً من إخوتهم مثلک أجعل کلامی علی فمه». ( بنگرید به: سفر تثنیة، باب ١٨، آیه ١٨)

١. أعلن: اعلى، ت.

٢. يستعلن: یستعلی، ت.

٣. علیه السلام: صلی الله علیه، ت.

٤. ساعیر: + فلفظه لفظ الماضي وأراد به الاستقبال، ت.

٥. وعلی آله: وآله، ت.

٦. ید: إضافة فوق السطر، الأصل.

٧. وعلی آله: -، ت.

٨. الأمم له: له الأمم، ت.

٩. أنه: -، الأصل؛ والإضافة عن ت

١٠. فلتطمئن: ولتطمئن، ت.

١١. الأيام: إضافة فوق السطر، الأصل.

١٢. یسبحون: ویسبحون، ت.

١٣. و قیل أنه: -، ت.

و هذا يجب أن يكون المراد به<sup>١</sup> نبينا عليه السلام<sup>٢</sup> لأن<sup>٣</sup> أخوه بنى إسرائيل يحب أن يكونوا أولاد إسماعيل أو أولاد<sup>٤</sup> عيص بن إسحاق، و لم يكن في أولاد عيص نبى غير أيوب و كان هو عليه السلام<sup>٥</sup> قبل موسى صلى الله عليه<sup>٦</sup> فيجب [ت٢٥٢ب] أن يكون «مثله»<sup>٧</sup> هو نبينا عليه السلام<sup>٨</sup> لأنه كان<sup>٩</sup> من ولد إسماعيل. يوضح ذلك أن بنى إسرائيل لم يبعث فيهم نبى بعد<sup>١٠</sup> موسى له شريعة<sup>١١</sup> ظاهرة غير المسيح<sup>١٢</sup>، لأن القائل<sup>١٣</sup> إما أن يكون يهودياً منكرًا لنبوته<sup>١٤</sup> أو نصرانياً لا يقول أنه كان مثل موسى عليه السلام، لأن النصرارى يقولون أن المسيح ابن الله فلا يصح أن يكون مثل موسى، فلم يبق إلا أن يكون المراد به نبينا عليه السلام<sup>١٥</sup>، وقيل: إن عيسى<sup>١٦</sup> لم يكن مثل موسى<sup>١٧</sup> لأن شريعته مبنية<sup>١٨</sup> على شريعة موسى<sup>١٩</sup> و لم يُنسخ من شريعة موسى إلا اليسير<sup>٢٠</sup>، و شريعة نبينا هي مثل شريعة موسى فإنها لم تبين على شريعة غيره<sup>٢١</sup>، و لا نبى جعل كتابه<sup>٢٢</sup> من أوله إلى آخره كله

١. به: -، ت.

٢. عليه السلام: صلى الله عليه، ت.

٣. لأن: ان، الأصل؛ والتصحيح عن ت.

٤. أو أولاد: واولاد، ت.

٥. وكان هو عليه السلام: وهو عليه السلام كان، ت.

٦. صلى الله عليه: عليه السلام، ت.

٧. مثله: -، الأصل؛ والإضافة عن ت.

٨. عليه السلام: صلى الله عليه، ت.

٩. لأنه كان: -، الأصل؛ والإضافة من ت.

١٠. بعد: مثل، الأصل، والتصحيح عن ت.

١١. له شريعة: عليه السلام شريعته، ت.

١٢. المسيح: + عليه السلام، ت.

١٣. القائل: + به، الأصل، والتصحيح عن ت.

١٤. منكرًا لنبوته: -، ت.

١٥. لا يقول أنه كان مثل موسى - عليه السلام - لأن النصرارى . . . فلم يبق إلا أن يكون المراد به نبينا عليه السلام: فان كان يهودياً فلا يقولون بنبوة عيسى - عليه السلام - وان كان نصرانياً فهم يقولون ان المراد بهذا المثل يجب ان يكون نبينا صلى الله عليه، ت.

١٦. عيسى: + عليه السلام، ت.

١٧. مثل موسى: شريعته مخالفة لشريعة موسى - عليه السلام - إلا اليسير، ت.

١٨. شريعته مبنية: شريعة عيسى - عليه السلام - أكثرها كان مبنية، ت.

١٩. موسى: + عليه السلام وشريعة نبينا صلى الله عليه انما كانت بخلاف ذلك، ت.

٢٠. ولم تنسخ من شريعة موسى إلا اليسير: ولان شريعة موسى - عليه السلام - انما نسخت شريعة الانبياء الذين تقدموا ولم تنسخ شريعة عيسى - عليه السلام - بتلك الشرائع كما نسخت شريعة موسى - عليه السلام - ، ت.

٢١. وشريعة نبينا هي مثل شريعة موسى فإنها لم تبين على شريعة غيره: -، ت.

٢٢. ولا نبى جعل كتابه: ولانه لم يكن احد من الانبياء عليهم السلام بعد موسى - عليه السلام - اظهر عليه كتابا، ت.

كلامه<sup>١</sup> تعالیٰ إلا رسولنا عليه السلام<sup>٢</sup>، لأن الإنجيل وغيره ليس من أوله إلى آخره كله وكلامه تعالیٰ<sup>٣</sup> وكلامه تعالیٰ تلاوته صلى الله عليه بكلامه تعالیٰ يأمن الخلق<sup>٤</sup> وأدعى لأجله النبوة على ما بيّناه من وجه دلالته و يسمى صاحبة التلاوة والهاوّه في بعض الكتب إلا و هو<sup>٥</sup>.

[٦] و في كتاب شعيا النبي عليه السلام «لتفرح أرض [١٣٤] البادية العطشى ولتبتهج البرارى والفلوات ولتخرج نور كنور الشسليذ و لتزه لأنها ستعطى بأحمد محاسن لبنان و ما أحسن الدساكر و الرياض». (بنگرید به: اشعيا، باب ٣٥، آيات ١-٢) و معلوم أن البادية لم يحصل لها ولفلواتها المحاسن إلا بالإسلام و المسلمین فبان أنه بشارة به عليه السلام فكيف و صريح اسمه فيه و هو أحمد، و في أهل الكتاب من ينكر هذا الاسم على عادتهم في التحريف.

[7] و عن حبقوق النبي عليه السلام «جاء الله من التيمين و المقدس من جبال فاران و امتلأت الأرض من تمجيد<sup>٦</sup> أحمد و تقديسه و ملك الأرض و رقاب الأمم»، (بنگرید به: حبقوق، باب ٣، آيات ٣-٤) و جبال فاران هي جبال مكة، فهل ذلك إلا النبي عليه السلام و هل ملك رقاب الأمم و الأرض<sup>٧</sup> من جبال [ت ٢٥٣] فاران غيره<sup>٨</sup> عليه السلام؟

[٨] و قال داوود في مزموره في صفة النبي صلى الله عليه و على آله<sup>٩</sup> «أنه يجوز من البحر إلى البحر و من لدن الأنهار إلى منقطع الأرض و أنه تخر<sup>١٠</sup> أهل الجزائر بين يديه على ركبهم و يلحس<sup>١١</sup> أعداؤه التراب تأتيه الملوك بالقرابين و تسجد له و تدين له الأمم بالطاعة و الانقياد لأنه يخلص المضطهد البائس ممن هو<sup>١٢</sup> أقوى منه و ينقذ الضعيف الذي لا ناصر له

١. كلامه: كلام الله، ت.

٢. رسولنا عليه السلام: نبينا صلى الله عليه، ت.

٣. تعالیٰ: + الا رسولنا (مشطوب).

٤. الخلق: الحلی، الأصل، و التصحيح عن ب.

٥. لأن الإنجيل وغيره ليس من أوله إلى آخره كله كلامه تعالیٰ وكلامه تعالیٰ تلاوته صلى الله عليه بكلامه تعالیٰ - يأمن الخلق و ادعى لأجله النبوة على ما بيّناه من وجه دلالته و يسمى صاحب التلاوة والهاوّه في بعض الكتب إلا وهو: ولذلك سمي له صاحب التلاوة والهاوّه وبهذا الكتاب يأمن الخلق و ادعى النبوة فإذا كان كذلك ثبت ان المراد بقوله أنى أقيم لبني إسرائيل نبيا من أخوتكم مثلك اجعل كلامي على فمه اراد به نبينا صلى الله عليه، ت.

٦. تمجيد: يحميد، ت.

٧. والأرض: -، ت.

٨. غيره: غير نبينا، ت.

٩. و على آله: -، ت.

١٠. تخر: يجثو، الأصل ت، و التصحيح عن المؤيد.

١١. ويلحس: ولي جثي ن، الأصل؛ ولي حس، ت.

١٢. ممن هو: وهو، ت.

ویرؤف بالضعفاء والمساكين و أنه يعطى من ذهب بلاد سبا و يصلى عليه فى كل وقت و يبارك عليه فى كل يوم و يدوم ذكره إلى الأبد و إن اسمه لموجود قبل الشمس و الأمام كلها يتبركون به و كلهم يحمدونه». (بنگرید به: مزامیر، باب ۷۲، آیات ۸-۱۳، ۱۵، ۱۷) قیل: معناه یسمونه<sup>۲</sup> محمداً.

[۹] و فى مزمور آخر لداوود صلى الله عليه «تقلد السيف فإن ناموسك و شریعتك مقرونة بهیبة یمینک و سهامک مسنونة و الأمام یخرون تحتک». (بنگرید به: مزامیر، باب ۴۵، آیات ۳-۵) و لیس فى الأنبياء عليهم السلام بعد داوود من تقلد السيف و خرت الأمام تحته و من قرنت شریعة بالهیبة غیر نبینا علیه السلام.

[۱۰] و أيضاً فى الزبور «إن الله اصطفى أمته و أعطاه النصر و سدّد الصالحین منهم بالكرامة یسبحونه على مضاجعهم و یکبرون الله بأصوات مرتفعة بأیدیهم سیوف ذوات<sup>۳</sup> شفرتین<sup>۴</sup> [۳۴ب] لینتقم الله عزوجل من الأمام الذین لا یعبدونه یوثقون ملوکهم بالقیود و أشرافهم بالأغلال». (بنگرید به: مزامیر، ۱۴۹) و ذلك صفة أمة<sup>۵</sup> نبینا علیه السلام<sup>۶</sup> لأنه لیس فى غیرهم من الأمام أمة یکبرون الله بأصوات مرتفعة و بأیدیهم<sup>۷</sup> سیوف ذوات<sup>۸</sup> شفرتین یقاتلون بها من لا یعبد الله تعالى إلا أمة نبینا علیه السلام<sup>۹</sup>.

[۱۱] و عن شعیاء النبى علیه السلام و قیل أنه فى الفصل الخامس «لنا ابن<sup>۱۰</sup> سلطانه على كتفه هو حجته» (بنگرید به: اشعیا، باب ۹، آیه ۶) و قیل إن هذا فى النقل السریانى و أما فى الروایة العبرانیة «على كتفه علامة النبوة» و كلاهما یتفاوتان فى المعنى، و من المستفیض الظاهر أنه كان على كتفه صلى الله عليه و على آله<sup>۱۱</sup> خاتم النبوة و لم یرو أنه كان لأحد من الأنبياء عليهم السلام سواه. [ت ۲۵۳ب] و من ظاهر حدیث سیف ذی تزن لما ورد مكة و رأى تحية عبد المطلب جد النبى علیه السلام إياه فاقتص آثار النبوة و شمها منه، فقال إنه

۱. كل: -، الأصل؛ والإضافة عن ت.

۲. یسمونه: سمونه، ت.

۳. ذوات: ذات، ت.

۴. شفرتین: مكرر فى الأصل.

۵. أمة: -، الأصل؛ والإضافة عن ت.

۶. علیه السلام: صلى الله عليه، ت.

۷. وبأیدیهم: ومعهم، الأصل، والتصحيح عن ت.

۸. ذوات: ذات، ت.

۹. علیه السلام: صلى الله عليه، ت.

۱۰. ابن: قى ابن، الأصل؛ بی امر، ت؛ والتصحيح عن المؤید وعن ابن قتیبة.

۱۱. وعلى آله: -، ت.

سیولد لكم غلام وجهه كالقمر و أعداؤه اليهود و على كتفه علامة النبوة أو ما معناه هذا فاحفظه عن اليهود، فقال عبدالمطلب: إنه قد ولد لنا غلام كذلك، فقال: لو لا إني أخشى أن لا نبقى إلى مبعثه<sup>١</sup> لسرت إليه بخيلي و أظهرته فأكرمه و أعظمه<sup>٢</sup> و أسنى بإبله، و قال: كذا وجدناه في الكتب أو العلوم المخزونة و قد كان<sup>٣</sup> عمر<sup>٤</sup> بن الخطاب يروى أنه كان على كتف رسول الله<sup>٥</sup> شامة مكتوب عليها محمد رسول الله و في أصحابه<sup>٦</sup> عليه السلام من توصل إلى أن كشف له<sup>٧</sup> عليه السلام قبلها و هو ظاهر عند أهل الرواية والتاريخ مطابق لما في الكتب المتقدمة.

[١٢] و روى عن شعيب<sup>٨</sup> عليه السلام «قيل لي قم نظراً فانظر ما ترى تخبر به. قلت: أرى راكبين مقبلين أحدهما على حمار و الآخر على جمل، يقول أحدهما: هوت آلهة بابل و تكسرت أصنامها المنجورة» (بنگرید به: اشعيا، باب ٢١، آيات ٦، ٧، ٩). فكان راكب الحمار عيسى - عليه السلام - و راكب الجمل نبينا صلى الله عليه<sup>٩</sup> وآلهة بابل لم تزل تعبد من لدن إبراهيم - عليه السلام - إلى أن بعث الله تعالى<sup>١٠</sup> نبيه محمد صلى الله عليه على آله<sup>١١</sup> فعندها هوت [١٣٥] و تكسرت واشتهاره صلى الله عليه و على آله<sup>١٢</sup> بركوب الجمل كاشتتهار المسيح - عليه السلام - بركوب الحمار. و يسئل شعيب<sup>١٣</sup> عليه السلام عن القيامة فقال: إذا راكبان راكب حمار و راكب جمل فمثل أمته مثل<sup>١٤</sup> المرأة الحبلى لا يدري متى تضع أى لا يدري متى تهج القيامة و تثور فيهم.

[١٣] و عن<sup>١٥</sup> شعيب النبي صلى الله عليه<sup>١٦</sup>: «هكذا يقول الرب: إنك ستأتى من جهة

١. مبعثه: بعثته، ت.

٢. وأعظمه: وعظمه، الأصل، والتصحيح عن ت.

٣. كان: + بن، الأصل، والتصحيح عن ت.

٤. والأرض: -، ت.

٥. الله: + صلى الله عليه، ت.

٦. أصحابه: صحابه، ت.

٧. له: + رسول الله، ت.

٨. شعيب: + النبي، ت.

٩. نبينا صلى الله عليه: عليه السلام، الأصل، والتصحيح عن ت.

١٠. تعالى: -، ت.

١١. وعلى آله: -، ت.

١٢. وعلى آله: -، ت.

١٣. شعيب: + النبي، ت.

١٤. مثل: كمثل، ت.

١٥. وعن: ومن، ت.

١٦. صلى الله عليه: عليه السلام، ت.



التیمن من بلد بعيد و من أرض البادية مسرعاً قدامک الزوابع و زعازع من الرياح» (بنگرید به: اشعیا، باب ۲۱، آیه ۱ به بعد)، و التیمن هو ناحية الجنوب.

[۱۴] و عنه عليه السلام فی فصل آخر ذکر هاجر و قال مخاطباً لها و لبلاد ولدها مكة: «قومی و أزهری مصباحك فقد دنا وقتك و كرامة الله طالعة عليك فقد تخللت الأرض الظلام و غطى على الأمم الضباب فالرب يشرق عليك إشراقاً و يظهر كرامته عليك<sup>۱</sup> و تسير الأمم إلى نورك والملوك إلى ضوء طلوعك<sup>۲</sup>، ارفعی بصرک إلى ما حولک [ت ۲۵۴] و تأملی، فإنهم سيجتمعون كلهم إليك و يحجونک و یأتیک ولدک من بعيد، و سترین ذلك<sup>۳</sup> فتتهجين و تفرحين و يستروح قلبك من أجل أنه یمیل إليك ذخائر البحر و تحج إليك عساكر الأمم حتى تعمرك الإبل المؤبلة و تضيق أرضك عن القطرات التي تجتمع إليك و يساق إليك كباش مدين و تسير إليك أغنام<sup>۴</sup> قیدار و تخدمک<sup>۵</sup> رخلات<sup>۶</sup> نبايوت». (بنگرید به: اشعیا، باب ۶۰، آیات ۱-۷) و قیدار هو ابن<sup>۷</sup> إسماعیل - عليه السلام - و هو جدّ النبي عليه السلام<sup>۸</sup> و نبايوت هو أخو قیدار و أولاده شديد البيت.

[۱۵] و فی کتاب شعیاء<sup>۹</sup> «ستملى البادية والمدن من قصور آل قیدار يسبحون و من<sup>۱۰</sup> رؤوس الجبال ینادون هم الذين يجعلون لله الكرامة و يلبون تسبيحه فى البر و البحر» (بنگرید به: اشعیا، باب ۴۲، آیات ۱۱-۱۳) «ارفع علماً لجميع من يعبد فيصفر لهم من أقاصی الأرض فإذا سراع یأتون». (بنگرید به، اشعیا، باب ۵، آیات ۲۶-۳۰) و قیدار<sup>۱۱</sup> بن إسماعیل هو جدّ النبي عليه السلام و قولهم بالتلبية من رؤوس الجبال و تسبيحهم لله جلّ و عزّ<sup>۱۲</sup> هو الذى ظهر من المسلمين والنبي عليه السلام هو الذى ظفر بالأمم إذنادى فأتوه مسرعين.

[۱۶] و فی الإنجيل قال [ب ۳۵] المسيح للحواريين: «أنا ذاهب و سيأتیکم الفارقليط

۱. عليك: لعله مشطوب فى الأصل.

۲. طلوعك: طوعك، ت.

۳. و سترین ذلك: -، ت.

۴. أغنام: اعىاق، ت.

۵. و تخدمك: و يحلفك، ت.

۶. رخلات: رجالات علام: الأصل؛ رجالات، ت.

۷. ابن: بن، ت.

۸. عليه السلام: صلى الله عليه، ت.

۹. شعیاء: + النبي عليه السلام، ت.

۱۰. و من: من، ت.

۱۱. و قیدار: وقيل ان، ت.

۱۲. جلّ و عزّ: عز و جل، ت.

روح الحقّ الذی لا<sup>١</sup> یتکلم من قبل نفسه إنما هو كما يقال له و هو شهید علی». (بنگرید به: یوحنا، باب ١٥، آیات ٢٦-٢٧ و یوحنا، باب ١٦، آیات ٧، ١٣)

[١٧] و فی حکایة یوحنا الدیلمی عن المسیح علیه السلام: «الفارقلیط لا یجئکم ما لم أذهب فإذا جاء و یخ العالم علی الخطیة و لا یقول من تلقاء نفسه شیئاً و لكنه مما یسمع به یکلمهم<sup>٣</sup> و یسوسکم بالحقّ و یخبرکم بالحوادث و الغیوب». (بنگرید به: یوحنا، باب ١٦، آیات ٧-٨، ١٣) و معروف بشارة یوحنا الدیلمی بالنبیّ علیه السلام هذا<sup>٤</sup> و المجرس كانوا یظهرون خروجه علیه السلام و یعدون أوقات خروجه.

[١٨] و فی کتاب دینیال النبیّ علیه السلام «ذلک<sup>٥</sup> حین رأى أنو شروان رؤیاه<sup>٦</sup> و أبلغ خمود نار فارس سأل سطحا ابن أخیه عنه و قال ظهر سیاحة الأرض صاحب الهراوة و التلاوة». و ذلک مما لا یعد و لا یحصی فی الکتب فأوردنا جملةً منه تأکیداً لما قدمناه من الأدلة و إلا فسواء أوردناه و لم نوردہ فما<sup>٧</sup> ذکرناه کافی فی إقامة الحجّة<sup>٨</sup> [ت ٢٥٤ب] و الدلالة علی نبوته صلی الله علیه و ممّا<sup>٩</sup> نیه القرآن علیه هو قوله تعالی ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ﴾ [سورة الأعراف (٧): ١٥٧] و قوله ﴿يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾ [سورة البقرة (٢): ١٤٦]، أى صفته یعلمون ضرورةً علی حدّ ما فی التورات، و قوله ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [سورة آل عمران (٣): ٧١] و قوله تعالی<sup>١٢</sup> ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ﴾ [سورة الفتح (٤٨): ٢٩] و لا معنى لقول من قال منهم إن هذه الصفات

١. لا: + ینطق ولا، ت.

٢. ویخ: ولح، ت.

٣. یکلمهم: یکلفهم، ت.

٤. هذا: فهذا، الأصل، و التصحیح عن ت.

٥. ذلک: هذا و المجرس كانوا یظهرون خروجه علیه السلام ذلک أيضا و كذلك، ت.

٦. رؤیاه: + انه سقط سرب داره، ت.

٧. فما: لعله مشطوب فی الأصل.

٨. الحجّة: الحاجة، الأصل، و التصحیح عن ت.

٩. ومما: وبما، ت.

١٠. الرسول:، الأصل ت.

١١. أهل: یهل، ت.

١٢. تعالی:، ت.

فی التورات و الإنجیل و هذه الكتب إلا أن<sup>۱</sup> من هذه صفته لم يأت بعد، لأن ذلك الذي يأتي على زعمه لا تزيد حالته على حالة نبينا عليه السلام.

فإن قيل: يبين بظهور المعجزات عليه، قيل له: قد بينّا ظهور المعجزات عليه مما<sup>۲</sup> قد تقدّم فالكلام في نبوته عليه السلام ظاهر، فإما الإقرار بها و أما حجود النبوة لجميع الأنبياء<sup>۳</sup> [۱۳۶] إن جحد نبوته عليه السلام حاجة لأن ما لأجله أقرنا نبوة<sup>۴</sup> نبي من الأنبياء عليهم السلام هو المعجز و ذلك ثابت له عليه السلام، و لذلك قلنا أن الأهم في الكلام في الكلام في نبوته الاشتغال بإثبات معجزاته عليه السلام.

## V.

عالم زیدی و قاضی القضاة ری، ابوالعباس احمد بن محمد سمان (حیات اوایل قرن پنجم / یازدهم میلادی) که نزد عبدالجبار همدانی تحصیل کرده چرا که نام او در ضمن متکلمان نسل دوازدهم معتزلیان در کتاب شرح عیون المسائل حاکم جشمی (متوفی ۱۱۰۱/۴۹۴) ذکر شده است.<sup>۵</sup> دانسته است که سمان تفسیری تألیف کرده که در سیزده مجلد بوده که به نظر می‌رسد، از میان رفته باشد. تفسیر وی ظاهراً مورد استفاده فخرالدین رازی (متوفی ۱۲۰۹/۶۰۶) به عنوان یکی از منابع در نگارش تفسیر مفصلش، *مفاتیح الغیب* بوده است. در بحث از پیشگویی‌های عهدینی از آمدن پیامبر که در تفسیر قرآن، ذیل سوره بقره، آیه ۴۰ آمده، فخرالدین رازی به آیه ۲۰، باب ۱۷، سفر پیدایش را نقل کرده و تفسیر سمان را به عنوان منبع خود یاد کرده است. هر چند ترجمه این آیه، که در نقل قولهایی عهدینی که المؤید و الموفق آورده اند، نیامده است، با ترجمه ابن ربن و ابن قتیبه یکسان است و عبارت آغازین متن مذکور در نقل فخرالدین رازی از سمان نزدیک تر به عبارت ابن ربن تا ابن قتیبه است.<sup>۶</sup> از آنجایی که این تنها نقل قول

۱. أن:، ت.

۲. مما: بما، ت.

۳. الأنبياء: + عليهم السلام، ت.

۴. نبوة: نبوة، ت.

۵. بنگرید به: فؤاد السید (تصحیح)، فضل الاعتزال و طبقات المعتزلة (الدار التونسية للنشر، ۱۹۷۴/۱۳۹۳)، ص ۳۸۹. همچنین بنگرید به: حسن انصاری، «معرفی تفسیری ناشناخته از متکتاب معتزله ری»،

<http://ansari.kateban.com/entry1820.html> (accessed 23/11/2011) (with further references).

۶. نقل فخرالدین رازی در *مفاتیح الغیب* (بنگرید به:

عهدینی از تفسیر سمان است که تا به حال به دست آمده است، غیر ممکن است که بتوان دریافت سمان کتاب *الدين والدولة* ابن ربن را در دسترس داشته یا همانند مورد المؤید منابع مشابهی که مشتمل بر ترجمه‌هایی مشابه که از طریق کتاب ابن ربن ثابت می‌گردد، در اختیار داشته است.

---

Schmidtke, "Abū l-Ḥ usayn al-Baṣr ī and his transmission", p. 118, # 5)

با اختلافات و افزوده‌های از ابن ربن کتاب *الدين والدولة* (تصحیح مینگانا، ص ۶۶، بند اول، سطر ۱۷، ص ۶۷، بند اول، سطر ۵) که در پرانتز ذکر شده، چنین است: و الخامس: روى السمان فى تفسيره [روى . . . تفسيره: فأما ما أوحى الله تعالى إلى إبراهيم - عليه السلام - فى إسماعيل وحده فهو قوله على لسان موسى عليه السلام] فى السفر الأول من التوراة [ + فى الفصل العاشر منه] أن الله تعالى أوحى إلى إبراهيم [تعالى... إبراهيم: قال لإبراهيم] - عليه السلام - قال: [قال: ] «قد أجبت دعاءك فى إسماعيل وباركت عليه وكثرته وعظّمته جداً جداً وسيلد اثنى عشر عظيماً وأجعله لأمة عظيمة». ترجمه ابن قتيبه از این آیه چنین است: « من ذلك قول الله عزوجل فى السفر الأول لإبراهيم: قد أجبت دعاءك فى إسماعيل وباركت عليه وكثرته وعظّمته جداً جداً وسيلد اثنى عشر عظيماً وأجعله لأمة عظيمة».